

تست و پاسخ ۱

در همهٔ گزینه‌ها ویژگی‌های نثر دورهٔ سامانی آمده است، به جز:

- (۱) آوردن لغات کم‌کاربرد فارسی
 (۲) ایجاز و اختصار در لفظ و معنا
 (۳) تمثیل و استشهاد به آیات، احادیث و اشعار
 (۴) افزایش کاربرد نشانه‌های جمع فارسی بر جمع عربی

(علوم و فنون ادبی دهم - درس ۷)

پاسخ: گزینهٔ ۳

مشاوره برای به خاطر سپردن ویژگی‌های سبکی هر دوره، بهتر است جدولی تهیه کنید و ویژگی‌های هر دوره را در آن بنویسید و با دوره‌های دیگر مقایسه کنید تا مطالب کاملاً برایتان روشن شود و در خاطرتان بماند (حتماً جدول را خودتان خط‌کشی کنید و بنویسید).

پاسخ تشریحی «تمثیل و استشهاد به آیات، احادیث و اشعار» از ویژگی‌های نثر دورهٔ غزنوی و سلجوقی است؛ نه سامانی. سایر گزینه‌ها دربارهٔ نثر سامانی درست است.

تست و پاسخ ۲

ویژگی‌های «اطناب، حذف افعال به قرینه و افزایش کاربرد لغات عربی»، در آثار تمام گزینه‌ها به جز گزینهٔ دیده می‌شود.

- (۱) تاریخ بیهقی
 (۲) التّفهیم
 (۳) کیمیای سعادت
 (۴) کشف‌المحجوب

(علوم و فنون ادبی دهم - درس ۷)

پاسخ: گزینهٔ ۲

درس‌نامه این جدول را دربارهٔ کتاب‌های نثر دوره‌های «سامانی» و «غزنوی و سلجوقی» به خاطر بسپارید:

مهم‌ترین کتاب‌های نثر دورهٔ سامانی	مهم‌ترین کتاب‌های نثر دورهٔ غزنوی و سلجوقی
ترجمهٔ تفسیر طبری	تاریخ بیهقی
تاریخ بلعمی	قابوس‌نامه
التّفهیم	سفرنامهٔ ناصر خسرو
شاهنامهٔ ابومنصوری	سیاست‌نامه
	کیمیای سعادت
	کشف‌المحجوب

پاسخ تشریحی ویژگی‌های ذکرشده در صورت سؤال، مربوط به نثر دورهٔ غزنوی و سلجوقی است. آثار نام‌برده در ۱، ۳ و ۴ همین ویژگی‌ها را دارند؛ اما «التّفهیم» که متعلق به دورهٔ سامانی است، فاقد آن‌هاست.

راه‌حل تستی با در نظر گرفتن ویژگی‌ها و همچنین آثار مربوط به هر دوره، رد گزینه کنید.

همه گزینه‌ها درست است، به استثنای

- (۱) شیوه بیان هر شاعر یا نویسنده، سبک شخصی او نامیده می‌شود.
- (۲) تقسیم‌بندی بهار از شعر فارسی بر مبنای حوزه جغرافیایی و تاریخی شعر است.
- (۳) سبک شعر و نثر بازگشت ادبی، در تمام طول قرن سیزدهم جریان داشت.
- (۴) از نظر ارسطو و براساس هدف، می‌توان آثار ادبی را به سبک عامیانه و عالمانه تقسیم کرد.

(علوم و فنون ادبی دهم - درس ۷)

پاسخ: گزینه ۴

پاسخ تشریحی بر مبنای نظر ارسطو، آثار ادبی را براساس هدف می‌توان به سبک‌هایی مانند **تعلیمی و فکاهی** تقسیم‌بندی کرد. تقسیم‌بندی آثار به عامیانه و عالمانه براساس مخاطب صورت گرفته است، نه هدف. مطالب ذکر شده در سایر گزینه‌ها درست است.

نکته وقتی می‌گوییم اثری «تعلیمی» است، یعنی هدف از نوشتن آن اثر، تعلیم و آموزش موضوعی خاص بوده؛ بنابراین، تقسیم‌بندی ما براساس «هدف» صورت گرفته است. اما وقتی می‌گوییم سبک یک اثر «عالمانه» است، براساس «مخاطب» آن را تقسیم‌بندی کرده‌ایم، زیرا مخاطبان آن اثر، عالمان و دانشمندانند.

کدام گزینه از نظر سبک‌شناسی کاملاً درست نیست؟

- (۱) نخستین آثار نظم زبان فارسی بعد از اسلام، ابتدا در خراسان بزرگ و سپس در سیستان پدید آمد.
- (۲) به علت آن که اوج سبک خراسانی در زمان سامانیان بوده است، آن را «سبک سامانی» هم نامیده‌اند.
- (۳) سبک خراسانی برحسب زمان، به سه سبک فرعی سامانی، غزنوی و سلجوقی تقسیم می‌شود.
- (۴) سبک دوره سلجوقی را باید «بینابین» نام نهاد؛ زیرا ویژگی‌های سبک عراقی نیز در آن به چشم می‌خورد.

(علوم و فنون ادبی دهم - درس ۷)

پاسخ: گزینه ۱

مشاوره وقتی در صورت سؤال، قید «کاملاً» بیاید، باید دقت کنید که ممکن است دلیل نادرستی یک گزینه فقط «یک کلمه» یا «جابه‌جایی دو واژه»، یا حتی «مثبت و منفی بودن فعل جمله» باشد؛ پس در این‌گونه سؤالات مراقب باشید که با عجله خواندن و شتاب در رد گزینه‌ها کار دستتان ندهد!

پاسخ تشریحی نخستین آثار نظم زبان فارسی بعد از اسلام، ابتدا در سیستان و سپس در خراسان بزرگ پدید آمد.

مطالب ذکر شده در سایر گزینه‌ها کاملاً درست است.

تست و پاسخ ۵

کدام گزینه از ویژگی‌های ادبی شعر سبک خراسانی نیست؟

(۱) قالب عمده شعر در این دوره، قصیده است.

(۳) توصیفات عمدتاً طبیعی، ساده، محسوس و عینی است.

(۲) استفاده از آرایه‌های ادبی، طبیعی و در حد اعتدال است.

(۴) در توصیف پدیده‌ها بیشتر از تشبیه حسی بهره گرفته می‌شود.

(علوم و فنون ادبی دهم - درس ۷)

پاسخ: گزینه ۳

مشاوره در سؤالاتی که ویژگی‌های سبکی را مورد سؤال قرار می‌دهند و گزینه متفاوت را از شما می‌خواهند، معمولاً گزینه‌ها به دو شکل چیده می‌شوند:

(۱) سه گزینه مربوط به یک دوره و گزینه پاسخی مربوط به دوره‌ای متفاوت است (این حالت در کنکورهای اخیر کمتر دیده می‌شود).

(۲) سه گزینه مربوط به یکی از قلمروهای سه‌گانه (زبانی، ادبی و فکری) در دوره مورد بحث است و گزینه پاسخی مربوط به قلمرویی متفاوت از همان دوره (مثل همین تست).

پاسخ تشریحی ۳) مربوط به ویژگی‌های فکری شعر سبک خراسانی است؛ نه ادبی.

سایر موارد درست ذکر شده‌اند.

راه حل تستی برای پاسخ دادن به چنین سؤالاتی (به‌ویژه در حالت دوم)، کافی است بدانید که نکات و مطالبی که به «واژه و جمله» مربوط می‌شوند، در قلمرو زبانی جای می‌گیرند. هرچه به «آرایه‌ها، قالب اشعار، قافیه و ردیف» مربوط می‌شود، جزء ویژگی‌های ادبی است و مطالبی که «موضوع اثر، فکر و اندیشه خالق اثر، نوع نگاه و بینش او» را بیان می‌کنند، در دسته ویژگی‌های فکری قرار می‌گیرند. با همین سرنخ‌ها می‌توان رد گزینه کرد و به پاسخ رسید.

آرایه هر بیت به ترتیب، در کدام گزینه درست ذکر شده است؟

- الف) یاد آن فرزانه آزرده خاطر خوش که گفت
ب) زاهد خشک به عرفان نرسد از تقلید
ج) ز رفتن پای عاجز گشت و ره را نیست پایانی
د) در صومعه زاهد و در خلوت صوفی
- خامشی جستم که حاسد مرده پندارد مرا
دار منصور محال است که منصور شود
اگر کاری به سر می شد ز سر می ساختم پا را
جز گوشه ابروی تو محراب دعا نیست
- ۱) تلمیح، واژه‌آرایی، تضمین، تشبیه
۲) تضمین، واژه‌آرایی، تشبیه، تلمیح
۳) تلمیح، تشبیه، واژه‌آرایی، تضمین
۴) تضمین، تلمیح، واژه‌آرایی، تشبیه

پاسخ: گزینه ۴

(علوم و فنون ادبی دهم - درس ۳ / علوم و فنون ادبی یازدهم - درس ۳ / علوم و فنون ادبی دوازدهم - درس ۳)

پاسخ تشریحی برای بیت «الف» در گزینه‌ها «تلمیح» و «تضمین» ذکر شده است. بعد از خوانش این بیت، متوجه آرایه تضمین در آن می‌شویم (آن مرد دانا گفت: خامشی جستم...) اما تلمیح ندارد؛ پس ۱ و ۳ رد می‌شوند. در ادامه گزینه‌ها برای بیت «د»، «تشبیه» و «تلمیح» پیشنهاد شده است. در این بیت به آیه، حدیث، داستان یا ... خاصی اشاره نشده است؛ پس تلمیح ندارد؛ اما در مصراع دوم آن، «ابرو» به «محراب دعا» تشبیه شده است (رد ۲).

بررسی آرایه‌های سایر ابیات: در بیت «ب» به «داستان حسین بن منصور حلاج و بر دار کردن او» اشاره شده است. ← تلمیح
در بیت «ج» نیز واژه‌های «پا» و «سر» تکرار شده‌اند. ← واژه‌آرایی

برای صرفه‌جویی در زمان، بهتر است این‌گونه تست‌ها را به روش رد گزینه پاسخ دهید. به ابتدا و انتهای هر گزینه نگاه کنید و با پیشنهاد‌های موجود در گزینه‌ها، ابیات را بسنجید و رد گزینه کنید، تا جایی که به پاسخ برسید.

تست و پاسخ ۷

آرایه‌های «تشبیه، تلمیح، تضمین، مجاز» به ترتیب در کدام ابیات یافت می‌شوند؟

الف) به عشوه توبه شهری شکسته است
 ب) مقیم طور محبت ز شوق باز نداند
 ج) بنشین بر لب جوی و گذر عمر ببین
 د) به قول خواجه گر از جام می کناره کنم

به غمزه پرده خلقی دریده است
 شعاع آتش مهر از فروغ نور تجلی
 کاین اشارت ز جهان گذران ما را بس
 به دور لاله دماغ مرا کنید علاج

۱) ب - الف - ج - د ۲) ج - ب - الف - د ۳) ب - ج - د - الف ۴) ج - ب - د - الف

پاسخ: گزینه ۴

(علوم و فنون ادبی یازدهم - درس‌های ۳ و ۶ / علوم و فنون ادبی دوازدهم - درس ۳)

پاسخ تشریحی با «تشبیه» نمی‌توان رد گزینه کرد، زیرا در بیت «ب»، «طور محبت» و «آتش مهر» هر دو اضافه تشبیهی هستند و در بیت «ج» نیز شاعر به طور پنهان «گذر عمر» را به «گذر آب جوی» تشبیه کرده است. با بررسی «تضمین» ۱ و ۲ رد می‌شوند، زیرا ابیات «ج» و «الف» تضمین ندارند. آرایه «تضمین» که در ۳ و ۴ مشترک است و در بیت «د» شهریار مصراع دوم را از «حافظ» تضمین کرده است؛ پس باید با «تلمیح» رد گزینه کنیم. در بیت «ب» به داستان حضرت موسی و طور سینا اشاره شده و تلمیح پدید آمده است؛ بنابراین به ۴ می‌رسیم. به عنوان اثبات ۴، در بیت «الف»، «شهر» مجاز از «مردم شهر» است.



یکی از آرایه‌های آمده در مقابل کدام بیت، نادرست است؟

- (۱) از نسیم سحر آموختم و شعله شمع
 (۲) در این بازار اگر سودی است با درویش خرسند است
 (۳) هیچ بادی بر نمی‌آید در این طوفان و موج
 (۴) تا کجا راحت پذیرم یا کجا یابم قرار
- رسم شوریدگی و شیوه شیدایی را (واج‌آرایی، تشبیه)
 خدایا منعمم گردان به درویشی و خرسندی (واژه‌آرایی، مجاز)
 کافکند از کشتی ما تخته‌ای بر ساحلی (مراعات نظیر، تلمیح)
 برگ خشکم در کف باد صبا افتاده‌ام (تشبیه، مجاز)

پاسخ: گزینه ۳

(علوم و فنون ادبی دهم - درس ۱۳ / علوم و فنون ادبی یازدهم - درس‌های ۳ و ۶ / علوم و فنون ادبی دوازدهم - درس ۳)

درس‌نامه ●● از یک دیدگاه، تشبیه را می‌توان به دو دسته صریح (آشکار) و مضمّر (پنهان) تقسیم کرد. (در تشبیه «صریح» دو پدیده از دیدگاه همانندی و برای نشان‌دادن شباهت در برابر هم قرار می‌گیرند؛ مثل این که کسی بگوید: «خم ابروی تو مانند محراب است». اما گاهی نیز هنرمند برای ایجاد تشبیه، آشکارا معادله نساخته است؛ بلکه حضور طرفین تشبیه در سخن به گونه‌ای است که شنونده در صورت تأمل و درنگ، به وجود همانندی پنهان پی می‌برد که این گونه از تشبیه را «مضمّر» نامیده‌اند؛ مثلاً اگر مثال قبل را به صورت: «خم ابروی تو مرا به یاد محراب انداخت» به کار ببریم، تشبیه مضمّر ساخته‌ایم.

پاسخ تشریحی

در این بیت، «باد»، «طوفان» و «موج» مراعات نظیر پدید آورده‌اند؛ اما تلمیحی در آن دیده نمی‌شود. طوفان و موج اشاره به سختی‌های زندگی شاعر دارد و هیچ دلیلی ندارد که آن‌ها را اشاره به طوفان نوح بدانیم. بررسی سایر آرایه‌ها در گزینه‌ها:

- ۱) تکرار واج / ش / مشهود است ← واج‌آرایی / نسیم سحر و شعله شمع به طور مضمّر (پنهان) به فرد شوریده و عاشق تشبیه شده‌اند.
 ۲) واژه‌های «درویش» و «خرسند» بدون تغییر معنی تکرار شده‌اند ← واژه‌آرایی / واژه «بازار» مجاز از «دنیا» است.
 ۳) «برگ خشکم»: مانند برگ خشک هستم ← تشبیه / «کف»: مجاز از دست، قدرت و کنترل

دام‌نستی گاهی طراح سؤال از ارتباط برخی واژه‌ها و عبارات با اجزای برخی از داستان‌های معروف استفاده می‌کند و شما را در تشخیص «تلمیح» به اشتباه می‌اندازد؛ مثلاً در (۳) کلمه «طوفان» آمده؛ اما باید بدانید هر طوفانی، طوفان نوح نیست.



تست و پاسخ

در کدام بیت، تعداد تشبیهات بیشتری به کار رفته است؟

- | | |
|-----------------------------------|------------------------------------|
| نکند سیاهکاری که به آفتاب ماند | دل من ز تابناکی به شراب ناب ماند |
| دل آتشین من بین که به موج آب ماند | نه ز پای می‌نشیند نه قرار می‌پذیرد |
| به سپیده سحرگاه و به ماهتاب ماند | ز شب سیه چه نالم که فروغ صبح رویت |
| لب مستی‌آفرینت به شراب ناب ماند | نفس حیات‌بخشت به هوای بامدادی |

(علوم و فنون ادبی یازدهم - درس ۳)

پاسخ: گزینه ۲

درس‌نامه تشبیه فشرده (تشبیهی که فقط دو رکن دارد) انواع مختلفی دارد:

- ۱) **اضافه تشبیهی**: مشبه و مشبه‌به، مضاف و مضاف‌الیه یک ترکیب اضافی‌اند؛ مانند: صبح رو - چراغ دانش
مشبه‌به مشبه مشبه‌به مشبه
- ۲) **تشبیه درون‌واژه‌ای**: مشبه و مشبه‌به با هم یک واژه مرکب‌اند؛ مانند: ما رخ (تشبیه رخ به ماه) - گل‌اندام (تشبیه اندام به گل)
- ۳) **تشبیه اسنادی**: مشبه و مشبه‌به، نهاد و مسند یک جمله اسنادی‌اند؛ مانند: تو سرو جویباری - تلمیذ بی‌ارادت، عاشق بی‌زر است.
مشبه مشبه‌به مشبه‌به مشبه

پاسخ تشریحی در این گزینه سه تشبیه وجود دارد؛ در حالی که دیگر گزینه‌ها هر کدام دو تشبیه دارند.

- ۱) «صبح رو» اضافه تشبیهی است (رخ و چهره معشوق به صبح تشبیه شده) ۲) تشبیه «رخ معشوق» به «سپیده سحرگاه» و ۳) تشبیه «رخ معشوق» به «ماهتاب». دو تشبیه اخیر از نوع گسترده است.

تشبیه در سایر گزینه‌ها:

۱ تشبیه «دل» به «شراب ناب» - تشبیه «دل» به «آفتاب» ← ۲ تشبیه

۲ تشبیه «دل» به «آتش» - تشبیه «دل» به «موج آب» ← ۲ تشبیه

۳ تشبیه «نفس» به «هوای بامدادی» - تشبیه «لب» به «شراب ناب» ← ۲ تشبیه

راه‌حل تستی در این‌گونه سؤالات، ابتدا آرایه‌خواست‌شده را در هر بیت بیابید و تعداد آن‌ها را مقابل بیت بنویسید. در آخر می‌توان با مقایسه اعداد نوشته‌شده به پاسخ رسید.

دام تستی در سؤالات شمارشی تشبیه، مراقب تشبیهات پنهان (مضمر) و تشبیهاتی که در ترکیب‌ها و واژه‌ها قرار دارند (تشبیهات فشرده) باشید.

تست و پاسخ ۱۰

آرایه‌های «تکرار، تلمیح، واج‌آرایی و تشبیه»، به ترتیب در کدام ابیات دیده می‌شود؟

الف) حلقه گوش شما را تا بود مه مشتری	مشتری باشد غلام حلقه در گوش شما
ب) عیب نبود چون به خون وصل نبود دسترس	گر به درویشی رسد بویی ز سر جوش شما
ج) مردم چشم عقیق‌افشان لؤلؤبار من	گشته درپاش از لب درپوش خاموش شما
د) آب حیوان است یا گفتار خواجه یا شکر	ماه تابان است یا گل یا بناگوش شما

(۱) الف - د - ج - ب (۲) الف - د - ب - ج (۳) ج - ب - د - الف (۴) ج - ب - الف - د

پاسخ: گزینه ۱ (علوم و فنون ادبی دهم - درس ۳ / علوم و فنون ادبی یازدهم - درس ۳ / علوم و فنون ادبی دوازدهم - درس ۳)

مشاوره در این گونه سوالات آرایه ممکن است حجم صورت سؤال، شمارا به این گمان ببندازد که این سؤال دشوار است و پاسخ دادن به آن زمان زیادی می‌طلبد؛ اما واقعیت این است که سؤال‌های الفبایی که در صورت خود چند مورد به شکل «الف ب و ...» دارند و ترتیب آن‌ها در گزینه‌ها مهم است، به روش رد گزینه به راحتی پاسخ داده می‌شوند و زمان کم‌تری نیاز دارند.

پاسخ تشریحی با «تلمیح»، (۳) و (۴) و با «تشبیه» (۲) رد می‌شود، زیرا ابیات پیشنهادی آن‌ها فاقد آرایه مورد نظر هستند.

بررسی آرایه‌ها در ابیات (۱): در بیت «الف» واژه‌های «حلقه» و «گوش» تکرار شده‌اند.

در بیت «د» اشاره به «آب حیوان» تلمیح را پدید آورده است. هم‌چنین تکرار واج / ش / در بیت «ج» آرایه واج‌آرایی را پدید آورده و «خوان وصل» در بیت «ب» اضافه تشبیهی است (تشبیه «وصل» به «خوان»).

راه‌حل تستی هر یک از آرایه‌ها را در ابیات پیشنهادی گزینه‌ها بررسی کنید. اگر بی‌تی فاقد آرایه مورد نظر بود، گزینه پیشنهاددهنده آن بیت را

حذف کنید؛ به همین راحتی!

تست و پاسخ ۱۱

هر دو آرایه تشبیه و تلمیح، در همه گزینه‌ها به‌جز گزینه دیده می‌شود.

- | | |
|--|---|
| ۱) من از آن حسن روزافزون که یوسف داشت دانستم | که عشق از پرده عصمت برون آرد زلیخا را |
| ۲) رستمی باید که پیشانی کند با دیو نفس | گر بر او غالب شویم، افراسیاب افکنده‌ایم |
| ۳) حسرت برم از خسرو و فرهاد که در عشق | نه زر به ترازویم و نه زور به بازو |
| ۴) سوختم در چاه صبر از بهر آن شمع چگل | شاه ترکان فارغ است از حال ما کو رستمی؟ |

(علوم و فنون ادبی یازدهم - درس ۳ / علوم و فنون ادبی دوازدهم - درس ۳)

پاسخ: گزینه ۳

پاسخ تشریحی در هر چهار گزینه، «تلمیح» به‌روشنی دیده می‌شود: در (۱) اشاره به داستان یوسف و زلیخا، در (۲) اشاره به غلبه رستم بر

افراسیاب، در (۳) اشاره به داستان خسرو و شیرین (و فرهاد) و در (۴) اشاره به داستان بیژن و منیژه در شاهنامه و گرفتارشدن بیژن در چاه

افراسیاب و رهایی او به دست رستم؛ بنابراین با تشبیه باید رد گزینه کنیم تا به پاسخ برسیم.

تشبیه در گزینه‌ها:

۱ «پردۀ عصمت»: اضافه تشبیهی (تشبیه «عصمت» به «پرده»)

۲ «دیو نفس»: اضافه تشبیهی (تشبیه «نفس آماره» به «دیو»)

۳ تشبیه ندارد.

نکته دقت کنید که شاعر در این بیت می‌گوید: «من مثل خسرو نیستم که زر در ترازو داشته باشم» و «من مثل فرهاد نیستم که زور به بازو داشته باشم»؛ بنابراین تشبیهی صورت نگرفته است. اگر فعل جمله‌های مورد نظر به جای «نیستم»، «هستم» بود، تشبیه شکل می‌گرفت.

۴ «چاه صبر»: اضافه تشبیهی (تشبیه «صبر» به «چاه»). در این بیت «شمع چگل (= زیارو)» استعاره از معشوق است؛ «چگل» نام سرزمینی است که زیارویان آن، مشهور بوده‌اند.

تست و پاسخ ۱۲

در کدام بیت هر دو آرایه تشبیه و مجاز به کار رفته است؟

- | | |
|--|--|
| ۱) آب صافی شده است خون دلیم | خون تیره شده است آب سرم |
| ۲) چو سوفارش آمد به پهنای گوش | ز شاخ گوزنان برآمد خروش |
| ۳) کشته شست ویام یا رب، به روح من رسان | هر خدنگی کان برون از کیش او خواهد فتاد |
| ۴) محتاج قصه نیست، گرت قصد خون ماست | چون رخت از آن توست به یغما چه حاجت است |

(علوم و فنون ادبی یازدهم - درس‌های ۳ و ۶)

پاسخ: گزینه ۱

پاسخ تشریحی در این گزینه «خون دل» به «آب صافی» و «اشک» (آب سر) به «خون تیره» مانند شده است و «آب سر» نیز مجاز از اشک است.

معنی بیت: «خون دلیم مانند آب زلال و اشکم مانند خون تیره شده است.»

بررسی سایر گزینه‌ها:

۲ «شاخ گوزنان» مجاز از «کمان» است. بیت فاقد تشبیه است (چو: هنگامی که).

۳ «خدنگ» مجاز از تیر - که با چوب درخت خدنگ ساخته شده - است؛ اما این بیت، فاقد تشبیه است.

۴ «خون» مجاز از «کشتن» است و در بیت تشبیهی دیده نمی‌شود. (چون: از آن جا که، هنگامی که)

دام تستی مراقب واژه‌ها و وندهایی که شبیه ادات تشبیه‌اند اما معنای متفاوتی دارند، باشید. در ۲ و ۴ همین سؤال، این نکته را خوب دیدیم.

گاهی «چو» و «چون» معنای «مثل و مانند» دارد که در این صورت ادات تشبیه است؛ اما معنای دیگر «چو» و «چون» اگر مد نظر باشند، دیگر ادات

تشبیه به شمار نمی‌آیند. «چو» و «چون» به معنی «هنگامی که» و «هم‌چنین» «چون» به معنی «زیرا، چگونه، از آن جا که و ...» از این قبیل‌اند.

۱۳ **گزینه ۱** جلگه‌ها، بهترین مکان‌های کشاورزی هستند. علاوه بر این،

جلگه‌های ساحلی شمال و جنوب ایران از نظر گذران اوقات فراغت، ارزش ارتباطی، منابع طبیعی نظیر نفت و گاز و پرورش آبزیان، دارای اهمیت هستند.

۱۴ **گزینه ۱** فعالیت‌های آتشفشانی در دوره کوتاه‌تر سبب شکل‌گیری

قله دماوند در منطقه کوهستانی البرز شده است.

۱۵ **گزینه ۴** طی سه دهه اخیر، طغیان در رودهای حوضه زاگرس

بیش از گذشته بوده و در پی آن، حمل رسوب، توسط رودها به تشکیل شکل‌های جدیدی از ناهمواری منجر شده است.

۱۶ **گزینه ۱** گل‌فشان معمولاً به شکل گنبدی یا مخروطی شکل و در

برخی جاها به صورت حوضچه‌های مملو از آب و گل مشاهده می‌شوند.

۱۷ **گزینه ۲** جلگه‌ها، سرزمین‌های همواری هستند که از یک طرف به

کوه‌ها و از طرف دیگر به دریاها و دریاچه‌ها منتهی می‌شوند.

۱۸ **گزینه ۲** رشته کوه بشاگرد حاصل برخورد صفحه عمان با صفحه

ایران است و در طول زمان عوامل فرسایش، شکل‌های زیبایی با دره‌ها، چاله‌ها و گودال‌های عمیق ایجاد کرده است.

۱۹ **گزینه ۲** در این جدول دو مورد اشتباه تعریف شده است: آب و هوا:

آب و هوا به مجموعه عناصر جوی غالب در یک منطقه در درازمدت گفته می‌شود؛ مثلاً آب و هوای استان خراسان جنوبی، گرم و خشک است. - هوا:

اصطلاح هوا به حالت آنی و زودگذر جو گفته می‌شود؛ مثلاً دمای شهر یاسوج در ۲۶ بهمن سال ۱۳۹۴، ساعت ۸ صبح، ۱۳ درجه سانتی‌گراد است.

۲۰. گزینه ۴ سه عامل - موقعیت جغرافیایی، میزان ارتفاع و جهت کوهستان‌ها، ورود توده‌های هوا به کشور.

۲۱. گزینه ۲ فاصله از منابع رطوبتی و دریاها، قرارگرفتن ایران در کمربند پرفشار جنب حاره‌ای، عرض جغرافیایی.

۲۲. گزینه ۲ در مناطق جنوبی کشور، که در عرض‌های پایین جغرافیایی قرار دارند، زاویه تابش خورشید هنگام ظهر، نزدیک به عمود است و به همین دلیل در این نواحی، مقدار تابش خورشید بیشتر و هوا گرم تر است. ولی در مناطق شمالی کشور که در عرض‌های بالای جغرافیایی قرار دارند و زاویه تابش خورشید مایل تر است، مقدار تابش کمتر و هوا سردتر است.

۲۳. «ویژگی مشترک مردمی که در یک جهان اجتماعی زندگی می‌کنند»، «راهنمای کنش اعضای جهان اجتماعی» و «علت تبدیل ارزش‌ها به واقعیت» به ترتیب در کدام گزینه به‌درستی آمده است؟

- ۱) وجود اهداف و ارزش‌های مشترک - ارزش‌ها - عمل کردن مردم بر اساس ارزش‌ها
- ۲) وجود ارزش‌ها و هنجارهای مشترک - هنجارها - عمل کردن مردم بر اساس ارزش‌ها و هنجارها
- ۳) وجود ارزش‌ها و هنجارهای مشترک - ارزش‌ها - عمل کردن مردم بر اساس هنجارها
- ۴) وجود اهداف و ارزش‌های مشترک - هنجارها - عمل کردن مردم بر اساس ارزش‌ها و هنجارها

پاسخ: گزینه ۱ (متوسط - خط به خط - ۱۰۰۷)

پاسخ تشریحی:

- ویژگی مردمی که در یک جهان اجتماعی زندگی می‌کنند: اهداف و ارزش‌های مشترک
- راهنمای کنش اعضای جهان اجتماعی: ارزش‌ها
- علت تبدیل ارزش‌ها به واقعیت: عمل کردن مردم بر اساس ارزش‌ها

اعضای یک جهان اجتماعی اهداف و ارزش‌های مشترکی را دنبال می‌کنند که هر کدام برای تحقق آن وظیفه‌ای بر عهده دارند. آرمان اجتماعی، به مجموعه اهداف و ارزش‌های مشترکی گفته می‌شود که اعضای یک جهان اجتماعی، خواهان رسیدن به آن هستند. آرمان اجتماعی تصور اعضای جهان اجتماعی از وضعیت مطلوب فرهنگ، سیاست، اقتصاد و خانواده است.

به ترتیب، «حرام بودن ربا»، «آشنا کردن افراد نسبت به حقوق دیگران»، «تکثیر» و «تقدیس حیوانات در هندوستان» بیانگر کدام مفهوم است؟

- ۱) هنجار اقتصادی - جامعه‌پذیری - قلمرو آرمانی فرهنگ باطل - فرهنگ آرمانی
- ۲) هنجار اقتصادی - کنترل اجتماعی - فرهنگ واقعی - فرهنگ آرمانی
- ۳) ارزش اقتصادی - ارزش حق - فرهنگ باطل - درون فرهنگ واقعی
- ۴) خرده‌فرهنگ اقتصادی - جامعه‌پذیری - فرهنگ آرمانی - بیرون فرهنگ واقعی

(دشوار - مفهومی - ۱۰۰۷)

پاسخ: گزینه ۱

پاسخ تشریحی:

ربا از هنجارهای مورد پذیرش غرب و حرام بودن ربا از هنجارهای مورد پذیرش اسلام است؛ پس گزینه ۱ یا ۲ درست است. آشنا کردن افراد نسبت به حقوق دیگران به آموزش اشاره دارد و در حوزه جامعه‌پذیری است. تکثیر پدیده باطلی است که در قلمرو آرمانی و واقعی فرهنگ باطل قرار دارد. تقدیس حیوانات در فرهنگ باطل جزء فرهنگ آرمانی است، چرا که در عمل ممکن است آن را نادیده بگیرند.

ارزش‌هایی که مردم یک جامعه از آن جانب‌داری می‌کنند و رعایت آن‌ها را لازم می‌دانند اما در عمل ممکن است برخی از آن‌ها را نادیده بگیرند.

قلمرو آرمانی جهان اجتماعی

ارزش‌هایی که مردم به آن عمل می‌کنند.

قلمرو واقعی جهان اجتماعی

کدام یک از موارد زیر در مورد «با دیگران سخن گفتن» و ارتباط آن با قلمرو واقعی و آرمانی درست است؟

- ۱) کنش اجتماعی است و اگر افراد آنچه می‌گویند را در عمل اجرا کنند، ارزش‌ها از قلمرو آرمانی به حوزه قلمرو واقعی می‌آیند.
- ۲) کنش فردی است و آنگاه که افراد به آنچه می‌گویند، متعهد باشند، به کنش اجتماعی تبدیل می‌شود.
- ۳) کنش بیرونی است و اگر افراد آنچه فکر می‌کنند را در عمل اجرا کنند، ارزش‌ها از قلمرو آرمانی به حوزه قلمرو واقعی می‌آیند.
- ۴) کنش فردی است و آنگاه که افراد به آنچه می‌گویند، متعهد باشند، ارزش‌ها از قلمرو آرمانی به قلمرو واقعی می‌آیند.

(متوسط - مفهومی - ۱۰۰۷)

پاسخ: گزینه ۱

پاسخ تشریحی:

سخن گفتن با دیگران کنش اجتماعی و بیرونی است و اگر افراد آنچه می‌گویند را در عمل اجرا کنند، ارزش‌ها از قلمرو آرمانی به قلمرو واقعی می‌آیند.

قلمرو واقعی و آرمانی جهان اجتماعی به روی یکدیگر گشوده‌اند و مرز آن‌ها بر اساس عمل مردم تغییر می‌کند؛ هر اندازه مردم مطابق ارزش‌ها عمل کنند، به همان اندازه آرمان‌ها وارد قلمرو واقعی جهان اجتماعی می‌شوند اما اگر مردم به ارزش‌هایی که در قلمرو آرمانی جامعه رعایت آن‌ها را لازم می‌دانند عمل نکنند، قلمرو واقعی از آرمان‌ها فاصله می‌گیرد.

ویژگی‌های «گروه خونی»، «وزن» و «پشتکار داشتن» به ترتیب مربوط به کدام یک از ابعاد هویتی انسان هستند؟

- ۱) انتسابی، فردی و متغیر - انتسابی، فردی و متغیر - اکتسابی، اجتماعی و متغیر
- ۲) اکتسابی، فردی و ثابت - انتسابی، فردی و ثابت - انتسابی، فردی و متغیر
- ۳) انتسابی، فردی و ثابت - اکتسابی، فردی و ثابت - انتسابی، فردی و متغیر
- ۴) انتسابی، فردی و ثابت - اکتسابی، فردی و متغیر - اکتسابی، فردی و متغیر

(متوسط - مفهومی - ۱۰۰۸)

پاسخ: گزینه ۴

پاسخ تشریحی:

- گروه خونی، انتسابی، فردی و ثابت است.
- وزن، اکتسابی، فردی و متغیر است.
- پشتکار داشتن اکتسابی، فردی و متغیر است.



در جامعهٔ قبیله‌ای هویت اجتماعی افراد بر اساس آنان مشخص می‌شود. در جامعهٔ دینی هویت اجتماعی افراد بر اساس تعیین می‌گردد و در جامعهٔ سرمایه‌داری هویت افراد بر اساس معین می‌گردد.

- ۱) ثروت فردی - ثروت خانواده - عقاید و ارزش‌هایی که دین محترم می‌شمارد.
- ۲) جایگاه قبیله‌ای - ثروت خانواده - اعتقاد به عناصر فرهنگ سکولار
- ۳) جایگاه قبیله‌ای - عقاید و ارزش‌هایی که دین محترم می‌شمارد. - ثروت و توان اقتصادی آن‌ها
- ۴) ثروت فردی - عقاید و ارزش‌هایی که دین محترم می‌شمارد. - ثروت فردی آن‌ها

(متوسط - خط به خط - ۱۰۰۸)

پاسخ: گزینه ۳

پاسخ تشریحی:

- در جامعهٔ قبیله‌ای، هویت اجتماعی افراد بر اساس **جایگاه قبیله‌ای** آنان مشخص می‌شود.
- در جامعهٔ دینی، هویت افراد بر اساس **عقاید و ارزش‌هایی که دین محترم می‌شمارد**، تعیین می‌گردد.
- در جامعهٔ سرمایه‌داری، هویت اجتماعی افراد بر اساس **ثروت و توان اقتصادی آن‌ها** معین می‌شود.

هویت اجتماعی هر فرد، درون جهان اجتماعی و بر اساس عقاید و ارزش‌های آن شکل می‌گیرد. در جامعه دینی، هویت اجتماعی افراد بر اساس عقاید و ارزش‌هایی است که آن دین محترم می‌شمارد؛ مثلاً اسلام هویت افراد را با تقوا، علم و عدالت ارزیابی می‌کند.

به ترتیب عبارت درست در رابطه با «آرمان اجتماعی»، «قلمرو واقعی جهان اجتماعی» و «شناخت عقاید و ارزش‌ها» کدام است؟

- ۱) اهدافی که اعضای یک جهان اجتماعی خواهان رسیدن به آن هستند - نظام معیار جهان اجتماعی است که برخی آن را مراعات نمی‌کنند - علوم اجتماعی نمی‌تواند حق یا باطل بودن آن‌ها را شناسایی کند.
- ۲) در ارزش‌های اجتماعی متبلور می‌شود - واقعیت‌های هر جهان اجتماعی را در پرتو آرمان‌های آن جهان اجتماعی می‌توان ارزیابی کرد - با علوم و حیاتی و عقلانی ممکن است.
- ۳) تصور اعضای جهان اجتماعی از وضعیت مطلوب فرهنگ است - شامل ارزش‌هایی است که مردم رعایت آن را لازم می‌دانند - علوم مبتنی بر عقل و وحی دو ابزار مناسب برای شناخت عقاید و ارزش‌ها هستند.
- ۴) ارزش‌هایی که مردم از آن جانبداری می‌کنند و مطابق با آن عمل می‌کنند - اگر به ارزش‌ها عمل نشود، از آرمان‌ها فاصله می‌گیرند - اگر علم به دانش تجربی محدود شود، امکان شناخت عقاید و ارزش‌ها را ندارد.

پاسخ: گزینه ۲

(پایه‌شناسی دهم - درس ۷)

پاسخ تشریحی

آرمان‌های جهان اجتماعی در ارزش‌ها متبلور می‌شود. / واقعیت‌های هر جهان اجتماعی را می‌توان در پرتو آرمان‌های آن ارزیابی کرد. / علوم مبتنی بر عقل و وحی، دو ابزار مهم برای شناخت عقاید و ارزش‌ها هستند. بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱) درست - نادرست (آرمان‌ها و قلمرو آرمانی همان نظام معیار جهان اجتماعی است که بسیاری کم‌وبیش به آن عمل می‌کنند و برخی هم آن را مراعات نمی‌کنند) - نادرست (علوم اجتماعی، اگر علم را به معنای تجربی آن محدود نکنند، می‌تواند درباره حق یا باطل بودن واقعیت‌ها و آرمان‌های جهان‌های اجتماعی داوری کند).
- ۳) درست - نادرست (بیانگر قلمرو آرمانی جهان اجتماعی است) - درست
- ۴) نادرست (بیانگر قلمرو واقعی جهان اجتماعی است) - درست - درست

به ترتیب مصادیق «الف»، «ب» و «ج» در جدول زیر، در کدام گزینه آمده است؟

مفهوم	ملاک تعیین
باطل فرض کردن یک بخش از جهان اجتماعی	«ب»
«الف»	تشخیص مناسب یا نامناسب بودن واقعیت‌ها
شناخت حق یا باطل بودن هر بخش از جهان اجتماعی	«ج»

- ۱) ارزیابی در پرتو آرمان‌ها - شکل‌گیری براساس خرافات - توجه‌کردن یا بی‌توجهی مردم به آن لایه
- ۲) ارزیابی در پرتو ارزش‌ها - قابل دفاع نبودن از نظر علمی - توجه‌کردن یا بی‌توجهی مردم به آن لایه
- ۳) ارزیابی در پرتو ارزش‌ها - شکل‌گیری براساس خرافات - علم متناسب با همان لایه
- ۴) ارزیابی در پرتو آرمان‌ها - قابل دفاع نبودن از نظر علمی - علم متناسب با همان لایه

پاسخ: گزینه ۴

(پایه‌شناسی دهم - درس ۷)

- پاسخ تشریحی** واقعیت‌ها را در پرتو آرمان‌ها ارزیابی می‌کنیم و مناسب یا نامناسب بودن آن‌ها را تشخیص می‌دهیم. (الف)
- هر بخش از جهان اجتماعی که به لحاظ علمی قابل دفاع نباشد و براساس خرافات شکل گرفته باشد، باطل است. (ب)
- حق و باطل بودن هر لایه از جهان اجتماعی، با علم متناسب با همان لایه شناخته می‌شود. (ج)

نکته به مناسبت قسمت سوم این سؤال، نکته‌ی زیر که مربوط به «ملاک تشخیص حق یا باطل بودن» است را ببینید:

- حق و باطل بودن هر لایه از جهان اجتماعی، با علم متناسب با همان لایه شناخته می‌شود.
 - مثال: علوم تجربی توان دآوری درباره‌ی فنون و روش‌های اجرایی را دارند؛ مثلاً درست یا نادرست بودن شیوه‌ی مداوای بیماران را می‌توان با روش‌های تجربی شناخت.
 - حق و باطل بودن ارزش‌ها و عقاید کلان درباره‌ی انسان و جهان را با روش‌ها و علوم تجربی نمی‌توان شناخت. علوم مبتنی بر عقل و وحی، دو ابزار برای شناخت عقاید و ارزش‌ها هستند.
 - جهان‌های اجتماعی که (۱) علم را به روش تجربی محدود می‌کنند و (۲) عقل و وحی را به عنوان دو روش علمی معتبر نمی‌دانند، نمی‌توانند از حق و باطل بودن عقاید و آرمان‌ها سخن بگویند.
- پدیده‌هایی هستند که صرفاً در قلمرو آرمانی و واقعی جوامع انسانی پدید می‌آیند.
- از نظر این جوامع، عقاید و ارزش‌ها
- ما فقط می‌توانیم بودن یا نبودن این ارزش‌ها را بشناسیم.
- برای دآوری درباره‌ی آن‌ها راهی نداریم.

- علوم اجتماعی، اگر علم را به معنای تجربی آن محدود نکند، می‌تواند درباره‌ی حق و باطل بودن واقعیت‌ها و آرمان‌های جهان اجتماعی دآوری کند.

به ترتیب، علت پیدایش هر یک از وضعیت‌های زیر در کدام گزینه آمده است؟

- نظریه استعمار
- شکل‌گیری جهان اجتماعی جدید
- کاهش فاصله قلمرو آرمانی و واقعی جهان اجتماعی
- زوال معنا و عقلانیت ذاتی

- (۱) نگاه تک‌خطی به جوامع - گسترش آگاهی و اراده‌ای نوین - عمل کردن مردم مطابق با آرمان‌ها - علم‌ندانستن علوم عقلانی و وحیانی
- (۲) مسیرهای متفاوت فرهنگ‌ها - مشارکت اجتماعی افراد - نزدیک‌شدن قلمرو واقعی جهان اجتماعی به آرمان‌ها - طرد عناصر معنوی و مقدس
- (۳) استثمار و بهره‌کشی برخی جوامع از برخی دیگر - برداشته‌شدن الزام‌های جهان اجتماعی قبلی - تحقق بیشتر آرمان‌های جهان اجتماعی - از دست رفتن دانش ابزاری
- (۴) نگاه طولی به سرنوشت جوامع - تغییر جهان اجتماعی موجود - تبلور آرمان‌های اجتماعی در ارزش‌ها - بسط و توسعه عقلانیت ابزاری

(پایه‌شناسی دهم - درس‌های ۵، ۶ و ۷)

پاسخ: گزینه ۱

پاسخ تشریحی اگرچه انسان امروزی براساس تجربیات واقعی، استعمار را به معنی استثمار (بهره‌کشی به نفع از دیگران و دسترنج آن‌ها) درمی‌یابد، ولی در سده‌های پیشین، نظریه استعمار به معنای طلب آبادانی برای جوامع عقب‌مانده بود. این دیدگاه نشان‌دهنده نگاه طولی و تک‌خطی به تاریخ جوامع است. علت شکل‌گیری جهان اجتماعی جدید، گسترش آگاهی و اراده‌ای نوین است.

اگر مردم مطابق آرمان‌های خود عمل کنند، فاصله میان قلمرو واقعی و آرمانی جامعه خود را کاهش می‌دهند. جهان متجدد فقط علمی را که با روش‌های تجربی به دست می‌آیند، علم می‌داند و علمی را که از روش‌های فراتجربی (عقلانی و وحیانی) استفاده می‌کنند، علم نمی‌شناسد. با افول این دسته از علوم، امکان ارزیابی ارزش‌ها و آرمان‌های بشری (که پدیده‌های فراتجربی‌اند و با علوم تجربی قابل مطالعه نیستند) از دست می‌رود و دآوری درباره این امور، به تمایلات افراد و گروه‌های متفرق سپرده می‌شود. از این روند، به زوال معنا و «عقلانیت ذاتی» یاد می‌شود.

دام تستی قسمت چهارم (۳). نشان‌دهنده گسترش عقلانیت ابزاری است؛ در حالی که صورت سؤال، به دنبال زوال عقلانیت ذاتی است.

ویژگی‌های هویتی «منزلت اجتماعی»، «ایرانی بودن» و «سخت‌کوشی»، به ترتیب مشابه ویژگی‌های هویتی مطرح‌شده در کدام گزینه است؟

(۲) منضبط - دانش‌آموز - وقت‌شناسی

(۱) دارایی - مکان تولد - کم‌سواد

(۴) نژاد - راست‌گوبودن - زمان تولد

(۳) کارمندبودن - روستایی - امانتداری

(جامعه‌شناسی دهم - درس ۸)

پاسخ: گزینه ۳

مشاوره اول نوع ویژگی‌های هویتی صورت سؤال رو پیدا کنید، بعد برید سراغ گزینه‌ها و بار د گزینه به جواب برسید.

درس نامه •• ویژگی‌های هویتی انسان

مؤمن بودن، وقت‌شناسی و خجالتی بودن	انسان، خود باعث پدیدآمدن این ویژگی می‌شود یا در پدیدآمدن آن نقش دارد.	اکتسابی	تقسیم‌بندی اول
مکان تولد، زمان تولد و جنسیت	انسان در پدیدآمدن آن نقشی ندارد.	انتسابی	
مکان تولد، نژاد و ملیت	در طول زندگی فرد، تغییر نمی‌کند.	ثابت	تقسیم‌بندی دوم
دانش‌آموزبودن، شغل و ویژگی‌های روانی و اخلاقی	در طول زندگی فرد ممکن است دچار تغییر شود.	متغیر	
خوش‌اخلاقی، زیبایی و مؤمن بودن	فرد، برای داشتن این ویژگی نیازی ندارد که به عضویت گروه‌های اجتماعی درآید.	فردی	تقسیم‌بندی سوم
ایرانی بودن، منزلت اجتماعی و شغل فرد	فرد بدون ارتباط با دیگران یا عضویت در گروه‌های اجتماعی نمی‌تواند این ویژگی‌ها را داشته باشد.	اجتماعی	

پاسخ تشریحی ویژگی‌های هویتی مطرح‌شده در صورت سؤال:

منزلت اجتماعی: اکتسابی، متغیر و اجتماعی / ایرانی: انتسابی، ثابت و اجتماعی / سخت‌کوشی: اکتسابی، متغیر و فردی
ویژگی‌های هویتی مطرح‌شده در ۳:

کارمندبودن: اکتسابی، متغیر و اجتماعی / روستایی: انتسابی، ثابت و اجتماعی / امانتداری: اکتسابی، متغیر و فردی
بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱) دارایی: اکتسابی، متغیر و فردی / مکان تولد: انتسابی، ثابت و فردی / کم‌سواد: اکتسابی، متغیر و فردی
- ۲) منضبط: اکتسابی، متغیر و فردی / دانش‌آموز: اکتسابی، متغیر و اجتماعی / وقت‌شناسی: اکتسابی، متغیر و فردی
- ۴) نژاد: انتسابی، ثابت و فردی / راستگویی: اکتسابی، متغیر و فردی / زمان تولد: انتسابی، ثابت و فردی

تست و پاسخ ۳۲

هویت هر جهان اجتماعی براساس عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های کلان آن جهان اجتماعی شکل می‌گیرد و قواعد، هنجارها و نمادهای آن متناسب با عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌ها سامان می‌یابند؛ بنابراین:

- ۱) سه بُعد متمایز هویت انسان عبارت‌اند از: بدن و بُعد جسمانی، نفس و ویژگی‌های روانی و اخلاقی و بُعد اجتماعی.
- ۲) هر جهان اجتماعی بنا بر هویت خود، امکان‌پذیر و رشد هویت‌های اخلاقی و روانی‌سازگار افراد را تضعیف می‌کند.
- ۳) نگاه دنیوی جهان متجدد و ارزش‌های آن به گونه‌ای است که هیچ دخل و تصرفی در طبیعت را مجاز نمی‌شمارد.
- ۴) هویت فردی هر انسان در جهان اجتماعی، براساس عقاید و ارزش‌های همان جهان اجتماعی شکل می‌گیرد.

پاسخ: گزینه ۲

(جامعه‌شناسی دهم - درس ۸)

درس نامه ●●

هویت هر جهان اجتماعی ← قواعد، هنجارها و نمادهای هر جهان اجتماعی ← براساس عقاید، آرمانها و ارزشهای جهان اجتماعی شکل می‌گیرد.

از این مسئله سه نتیجه حاصل می‌شود:

(۱) هویت اجتماعی هر فرد، درون جهان اجتماعی و براساس عقاید و ارزشهای آن شکل می‌گیرد.

مثال ← در جامعه قبیله‌ای، هویت اجتماعی افراد براساس جایگاه قبیله‌ای آنها مشخص می‌شود.
← در جامعه سرمایه‌داری، هویت افراد بیشتر به ثروت و توان اقتصادی آنها وابسته است.
← در جامعه دینی، هویت اجتماعی افراد براساس عقاید و ارزشهایی است که آن دین محترم می‌شمارد.
← اسلام، هویت افراد را با تقوا، علم و عدالت ارزیابی می‌کند.

(۲) هر جهان اجتماعی براساس هویت خود، با طبیعت و بدن آدمی تعامل می‌کند.

مثال ← نگاه دنیوی جهان متجدد و ارزشهای آن به گونه‌ای است که هر دخل و تصرفی را در طبیعت مجاز می‌داند.
← در جهان معنوی اسلام، طبیعت به عنوان موجودی زنده، آیت و نشانه خداوند محسوب می‌شود.

(۳) هر جهان اجتماعی بنا به هویت خود، با نوعی از هویت اخلاقی و روانی افراد سازگار است و زمینه پیدایش و رشد همان هویت را فراهم می‌آورد و امکان پیدایش و رشد انواع دیگر را تضعیف می‌کند.

مثال ← جهان متجدد به تناسب رویکرد این جهانی خود، با آن دسته از ویژگی‌های اخلاقی و روانی سازگار است که در ارتباط با آرمانها و ارزشهای دنیوی آن شکل می‌گیرند (مانند فردگرایی، دم‌غنیمت‌شماری، انضباط، تبحر و ...).
← جهان متجدد با بسیاری از ویژگی‌های اخلاقی که براساس ارزشهای معنوی و الهی وجود انسان شکل گرفته باشند (مانند قناعت، حیا، بندگی خدا، تقوا، خوف و رجای الهی و ...) سازگار نیست.

پاسخ تشریحی بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ درست است، اما ارتباطی با صورت سؤال ندارد.

۳ نگاه دنیوی جهان متجدد و ارزشهای آن به گونه‌ای است که هر دخل و تصرفی را در طبیعت مجاز می‌داند.

۴ هویت اجتماعی هر فرد، درون جهان اجتماعی و براساس عقاید و ارزشهای آن جهان اجتماعی شکل می‌گیرد.

تست و پاسخ ۳۳

با ارقام ۱ تا ۶ یک عدد شش رقمی بدون تکرار ارقام می نویسیم. با چه احتمالی ارقام این عدد، یکی در میان، فرد و زوج هستند؟

$$0/2 (4)$$

$$0/16 (3)$$

$$0/12 (2)$$

$$0/1 (1)$$

پاسخ: گزینه ۱

(ریاضی و آمار ۳ - فصل ۱ - درس ۲)

پاسخ تشریحی گام اول، تعداد کل اعداد شش رقمی که با ارقام ۱ تا ۶ بدون تکرار ارقام می توانیم بنویسیم برابر است با:

$$n(S) = 6! = 720$$

گام دوم، می خواهیم ارقام این عدد شش رقمی، یکی در میان فرد و زوج باشند؛ پس دو حالت داریم:

حالت اول: ارقام یکان، صدگان و دهزارگان فرد و مابقی زوج باشند. ۳ رقم فرد (۱، ۳ و ۵) و ۳ رقم زوج (۲، ۴ و ۶) داریم؛ پس تعداد حالات برابر است با:

$$\begin{array}{cccccc} 6 \text{ و } 4 \text{ و } 2 & 5 \text{ و } 3 \text{ و } 1 & 6 \text{ و } 4 \text{ و } 2 & 5 \text{ و } 3 \text{ و } 1 & 4 \text{ و } 2 & 3 \text{ و } 1 \\ \uparrow & \uparrow & \uparrow & \uparrow & \uparrow & \uparrow \\ \frac{3}{\text{زوج}} \times \frac{3}{\text{فرد}} \times \frac{2}{\text{زوج}} \times \frac{2}{\text{فرد}} \times \frac{1}{\text{زوج}} \times \frac{1}{\text{فرد}} = 3! \times 3! = 6 \times 6 = 36 \end{array}$$

حالت دوم: ارقام یکان، صدگان و دهزارگان زوج و مابقی فرد باشند. تعداد حالات مشابه حالت قبل یعنی ۳۶ می شود.

$$n(A) = 36 + 36 = 72$$

پس تعداد کل حالات مطلوب برابر است با:

$$P(A) = \frac{n(A)}{n(S)} = \frac{72}{720} = \frac{1}{10} = 0/1$$

گام سوم، احتمال وقوع پیشامد A برابر است با:

تست و پاسخ ۳۴

می خواهیم ۶ نفر را به ۳ گروه دونفری تقسیم کنیم. چه قدر احتمال دارد علی با صمیمی ترین دوستش (بهزاد) در یک گروه قرار گیرند؟

$$\frac{1}{18} (4)$$

$$\frac{1}{15} (3)$$

$$\frac{1}{12} (2)$$

$$\frac{1}{10} (1)$$

پاسخ: گزینه ۳

(ریاضی و آمار ۳ - فصل ۱ - درس ۲)

$$\binom{n}{2} = \frac{n(n-1)}{2}$$

نکته برای محاسبه انتخاب ۲ از n می توانیم از رابطه روبه رو کمک بگیریم:

پاسخ تشریحی گام اول، تعداد کل حالات تقسیم ۶ نفر به ۳ گروه دونفری را حساب می‌کنیم.

ابتدا باید ۲ نفر از ۶ نفر را انتخاب کنیم و بعد ۲ نفر از ۴ نفر باقی‌مانده و در آخر ۲ نفر از ۲ نفر باقی‌مانده!

$$n(S) = \binom{6}{2} \times \binom{4}{2} \times \binom{2}{2} = \frac{6 \times 5}{2} \times \frac{4 \times 3}{2} \times 1 = 15 \times 6 = 90$$

پس:

گام دوم، در حالت مطلوب علی و بهزاد در یک گروه هستند. (که کنار می‌ذاریمشون!)

حالا باید از بین ۴ نفر باقی‌مانده ۲ نفر انتخاب کنیم و سپس ۲ نفر از بین ۲ نفر باقی‌مانده؛ پس:

$$n(A) = 1 \times \binom{4}{2} \times \binom{2}{2} = \frac{4 \times 3}{2} \times 1 = 6$$

↓
گروه علی و بهزاد

$$P(A) = \frac{n(A)}{n(S)} = \frac{6}{90} = \frac{1}{15}$$

گام سوم، احتمال وقوع پیشامد A برابر است با:

تست و پاسخ ۳۵

از بین a مهره آبی، 2a مهره قرمز و a مهره سبز، ۲ مهره به تصادف انتخاب می‌کنیم. اگر احتمال هم‌رنگ بودن مهره‌ها برابر با $\frac{4}{11}$ باشد، تعداد مهره‌های قرمز کدام است؟ ($a \geq 2$)

۲۸ (۴)

۱۲ (۳)

۲۴ (۲)

۱۴ (۱)

(ریاضی و آمار ۳ - فصل ۱ - درس ۲)

پاسخ: گزینه ۴

پاسخ تشریحی گام اول، در کل $a + 2a + a = 4a$ مهره داریم. ۲ تا آن‌ها را انتخاب می‌کنیم؛ پس:

$$n(S) = \binom{4a}{2} = \frac{4a(4a-1)}{2} = 2a(4a-1)$$

گام دوم، برای آن که هر دو مهره انتخاب شده هم‌رنگ باشند باید «۲ مهره از a مهره آبی» یا «۲ مهره از 2a مهره قرمز» یا «۲ مهره از a مهره سبز» انتخاب کنیم؛ پس:

$$n(A) = \binom{a}{2} + \binom{2a}{2} + \binom{a}{2} = 2\binom{a}{2} + \binom{2a}{2} = 2 \times \frac{a(a-1)}{2} + \frac{2a(2a-1)}{2} = a(a-1) + a(2a-1)$$

$$\underline{\text{فاکتور از } a} \quad a(a-1+2a-1) = a(3a-2)$$

$$P(A) = \frac{n(A)}{n(S)} = \frac{a(3a-2)}{2a(4a-1)} = \frac{3a-2}{2(4a-1)} = \frac{3a-2}{8a-2}$$

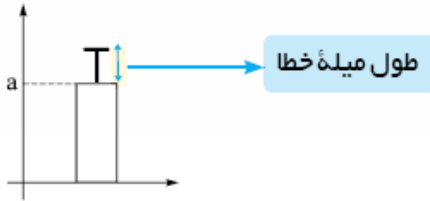
گام سوم، احتمال وقوع پیشامد A برابر است با:

گام چهارم، کسر به دست آمده در گام قبل باید برابر با $\frac{4}{11}$ باشد؛ پس:

$$\frac{3a-2}{8a-2} = \frac{4}{11} \xrightarrow{\text{طرفین وسطین}} 33a-22 = 32a-8 \Rightarrow 33a-32a = -8+22 \Rightarrow a = 14$$

گام پنجم، تعداد مهره‌های قرمز 2a بود که برابر با $2 \times 14 = 28$ است.

نمودار زیر مربوط به داده‌های ۱۴، ۱۸، ۲۵، a و ۲۳ است. طول میله خطاً تقریباً کدام است؟



- (۱) ۲/۸
(۲) ۳/۲
(۳) ۳/۸
(۴) ۴/۲

(ریاضی و آمار ۳ - فصل ۱ - درس ۳)

پاسخ: گزینه ۳

خودت حل کنی بهتره طول میله خطاً، همان σ است.

درس نامه •• نمودار میانگین - انحراف معیار

برای داده‌هایی که بینشان داده دورافتاده نداریم.	(۱) برای چه داده‌هایی استفاده می‌شود؟
	<p>(۲) جزئیات روی نمودار</p> <ul style="list-style-type: none"> ارتفاع مستطیل = میانگین داده‌ها طول میله خطاً = انحراف معیار داده‌ها

پاسخ تشریحی گام اول، با توجه به نمودار، میانگین پنج داده ۱۴، ۱۸، ۲۵، a و ۲۳ باید a باشد؛ پس:

$$\text{میانگین} = \frac{\text{مجموع}}{\text{تعداد}} \Rightarrow a = \frac{۱۴ + ۱۸ + ۲۵ + a + ۲۳}{۵} \Rightarrow a = \frac{a + ۸۰}{۵} \Rightarrow ۵a = a + ۸۰ \Rightarrow ۴a = ۸۰ \Rightarrow a = ۲۰$$

گام دوم، می‌دانیم $\bar{x} = ۲۰$ است. واریانس پنج داده ۱۴، ۱۸، ۲۵، ۲۰ و ۲۳ را حساب می‌کنیم.

$$\sigma^2 = \frac{(۱۴ - ۲۰)^2 + (۱۸ - ۲۰)^2 + (۲۵ - ۲۰)^2 + (۲۰ - ۲۰)^2 + (۲۳ - ۲۰)^2}{۵} = \frac{۳۶ + ۴ + ۲۵ + ۰ + ۹}{۵} = \frac{۷۴}{۵} = ۱۴/۸$$

$$\sigma = \sqrt{۱۴/۸} = ۳/۸$$

گام سوم، از واریانس جذر می‌گیریم تا انحراف معیار به دست آید:

پس طول میله خطاً تقریباً ۳/۸ است.

نکته (اصل جمع): اگر بتوان عملی را به m طریق و عمل دیگری را به n طریق انجام داد و این دو عمل را نتوان با هم انجام داد، در این صورت به $m + n$ طریق می‌توان عمل اول یا عمل دوم را انجام داد. (اصل جمع به بیش از دو عمل نیز قابل تعمیم است.)
 نکته (اصل ضرب): اگر عملی طی دو مرحله اول و دوم انجام پذیرد، طوری که در مرحله اول به m طریق و در مرحله دوم هر کدام از این m طریق به n روش انجام پذیر باشند، در کل آن عمل به $m \times n$ طریق انجام پذیر است. (اصل ضرب قابل تعمیم به بیش از دو مرحله است.)
 اگر تعداد راه‌ها از شهر B به شهر C را x در نظر بگیریم، برای رفتن از شهر A به شهر D می‌توانیم از یکی از دو مسیر زیر حرکت کنیم:

$$A \rightarrow B \rightarrow C \rightarrow D \quad \text{یا} \quad A \rightarrow E \rightarrow D$$

$$2 \times x \times 2 \quad + \quad 2 \times 4 \quad = 4x + 8$$

به ۲۸ طریق می‌توانیم از شهر A به شهر D برویم پس می‌توان نوشت:

$$4x + 8 = 28 \Rightarrow x = 5$$

نکته (اصل ضرب): اگر عملی طی دو مرحله اول و دوم انجام پذیرد، طوری که در مرحله اول به m طریق و در مرحله دوم هر کدام از این m طریق به n روش انجام پذیر باشند، در کل آن عمل به $m \times n$ طریق انجام پذیر است. (اصل ضرب قابل تعمیم به بیش از دو مرحله است.)
 رقم هزارگان ۴ حالت دارد (۲، ۴، ۶، ۸):

$$\frac{4}{\text{هزارگان}} \times \frac{\quad}{\text{صدگان}} \times \frac{\quad}{\text{دهگان}} \times \frac{\quad}{\text{یکان}}$$

رقمی که در هزارگان استفاده شده را کنار می‌گذاریم و رقم صفر را اضافه می‌کنیم.

$$\frac{4}{\text{هزارگان}} \times \frac{4}{\text{صدگان}} \times \frac{\quad}{\text{دهگان}} \times \frac{\quad}{\text{یکان}}$$

برای دهگان ۳ حالت و برای یکان دو حالت داریم:

$$\frac{4}{\text{هزارگان}} \times \frac{4}{\text{صدگان}} \times \frac{3}{\text{دهگان}} \times \frac{2}{\text{یکان}} = 96$$

نکته: هر حالت از کنار هم قرار گرفتن n شیء متمایز را یک جایگشت n تایی از آن n شیء می‌نامیم و تعداد این جایگشت‌ها برابر با $n!$ است.

جایگاه حرف اول و آخر مشخص است. پس فقط باید جایگشت حروف T, R, N, A و D را مشخص کنیم که مطابق نکته برابر $4! = 24$ است.

$$\text{تعداد انتخاب‌ها} \rightarrow \frac{1}{\text{حرف O}} \quad \frac{5}{\quad} \quad \frac{4}{\quad} \quad \frac{3}{\quad} \quad \frac{2}{\quad} \quad \frac{1}{\quad} \quad \frac{1}{\text{حرف O}}$$

نکته (اصل ضرب): اگر عملی طی دو مرحله اول و دوم انجام پذیرد، طوری که در مرحله اول به m طریق و در مرحله دوم هر کدام از این m طریق به n روش انجام پذیر باشند، در کل آن عمل به $m \times n$ طریق انجام پذیر است. (اصل ضرب قابل تعمیم به بیش از دو مرحله است.)

$$4, 3, 2, 1, 0 \rightarrow \frac{4}{\quad} \frac{4}{\quad} \frac{3}{\quad} \frac{2}{\quad} \frac{1}{\quad} \Rightarrow 4 \times 4 \times 3 \times 2 \times 1 = 96$$

عدد صفر نمی‌تواند قرار بگیرد

«بعض الأمراض تُسببها البكتيريا الخطيرة فالمرضى يستعينون بالأطباء للوقاية من حادثة يمكن أن تؤدّي إلى الموت أحياناً!»:

۱) باکتری خطرناک سبب برخی از مریضی‌ها می‌شود؛ بنابراین بیماران از پزشک‌ها یاری می‌خواهند تا از حادثه‌ای که امکان دارد گاهی منجر به مرگ شود، جلوگیری کنند!

۲) باکتری خطرناک سبب برخی بیماری‌ها می‌شود و بیماران برای پیشگیری از حادثه‌ای که امکان دارد گاهی منجر به مرگ شود از پزشکان یاری می‌جویند!

۳) سبب بعضی از بیماری‌ها، باکتری خطرناک است و بیماران برای پیشگیری از اتفاقاتی که ممکن است احیاناً منجر به مرگشان شود از پزشک‌ها کمک می‌خواهند!

۴) برخی از بیماری‌ها به سبب باکتری خطرناک است، پس بیماران برای جلوگیری از حوادثی که گاهی مرگ را به دنبال دارد از پزشکان یاری می‌جویند!

پاسخ: گزینه ۲

(عربی دهم - درس ۵)

خودت حل کنی بهتره «حادثه» جمع است یا مفرد؟ / «الوقایة» فعل است یا اسم؟

پاسخ تشریحی کلمات مهم، «بعض الأمراض»: برخی بیماری‌ها / «تُسبب»: سبب می‌شود / «البكتيريا الخطيرة»: باکتری خطرناک / «المرضى»: بیماران / «يستعينون بالأطباء»: از پزشکان یاری می‌جویند / «للوقایة»: برای پیشگیری / «من حادثة يمكن»: از حادثه‌ای که امکان دارد / «أن تؤدّي إلى الموت»: (که) منجر به مرگ شود / «أحياناً»: گاهی
خطاهای سایر گزینه‌ها:

- ۱) تا ... جلوگیری کنند («الوقایة: جلوگیری» اسم است، نه فعل و «لـ» قبل از آن از نوع جازه است؛ در نتیجه به معنای «برای» می‌باشد، نه «تا»!)
- ۳) سبب بعضی از بیماری‌ها (معادل «سبب بعض الأمراض» است. «تُسبب: سبب می‌شود» فعل است، نه اسم!) - اتفاقاتی («حادثه» مفرد است، نه جمع!) - مرگشان (در «الموت» هیچ ضمیری به کار نرفته است و «شان» اضافی است!)
- ۴) به سبب باکتری (معادل «بسبب البكتيريا» است، «تُسبب» فعل است، نه اسم!) - حوادثی (مانند توضیحات «اتفاقاتی» در ۳)

«لَا بُدَّ لَكَ مِنْ أَنْ تَعْتَبِرَ بِتَجَارِبِ الْآخِرِينَ بَدَلًا مِنْ تَجْرِبَةِ الْأُمُورِ الْمُخْتَلِفَةِ بِنَفْسِكَ!»:

- (۱) هیچ چاره‌ای برای تو نیست که از تجربه‌های دیگران عبرت بگیری و خودت کارهای متفاوت را تجربه نکنی!
- (۲) ناگزیری از تجارب سایرین پسند بگیری به جای این که خودت امور مختلف را تجربه کنی!
- (۳) ناگزیر به عبرت‌گرفتن از تجارب دیگرانی به جای این که خود کارها را متفاوت تجربه کنی!
- (۴) ناچاری به جای تجربه‌کردن کارهای مختلف، خودت از تجربه‌های سایرین پسند بگیری!

پاسخ: گزینه ۲

(عربی دهم - درس ۶)

مشاوره روش ترجمه «لای نفی جنس اهمیت زیادی در تست‌های ترجمه دارد. حتماً بر نکاتش مسلط باشین.

خودت حل کنی بهتره «أَنْ تَعْتَبِرَ» فعل هست یا اسم؟ / «بَدَلًا» یعنی چی؟ / «بِنَفْسِكَ» را باید در کدام بخش جمله ترجمه کنیم؟

درس نامه

اگر حرف «لا» بر سر یک اسم بیاید و اسم بعدی آن تنها یک فتحه (ـَ) داشته باشد، لای نفی جنس بوده و به شکل «هیچ ... نیست» ترجمه می‌شود.
مثال: لا بیع فیہ: هیچ فروشی در آن نیست.

نکته در ترجمه چند اصطلاح «لا شك»، «لا بد» و «لا بأس» مجازیم کلمه «هیچ» را نیاوریم!

مثال: «لا بُدَّ لَكَ»: هیچ چاره‌ای برایت نیست. ✓ تو ناگزیر هستی. ✓ تو ناچار هستی. ✓

پاسخ تشریحی کلمات مهم، «لَا بُدَّ لَكَ»: ناگزیری / «مَنْ أَنْ تَعْتَبِرَ»: (که) پسند بگیری / «بِتَجَارِبِ الْآخِرِينَ»: از تجارب سایرین / «بَدَلًا مِنْ

تَجْرِبَةِ الْأُمُورِ الْمُخْتَلِفَةِ بِنَفْسِكَ»: به جای این که خودت امور مختلف را تجربه کنی.

خطاهای سایر گزینه‌ها:

۱ و خودت تجربه نکنی (کلمه «و» ترجمه صحیحی برای «بَدَلًا مِنْ ... : به جای ...» نیست! ضمناً دلیلی برای منفی ترجمه کردن عبارت «تجربه کنی» وجود ندارد و «تجربه نکنی» هم نادرست است!)

۳ عبرت‌گرفتن («أَنْ تَعْتَبِرَ» فعل است، نه مصدر (اسم)!) - خود کارها را متفاوت تجربه کنی (اولاً «بِنَفْسِكَ: خودت» به «الأمور: کارها» بر نمی‌گردد، ثانیاً «المختلفة» صفت «الأمور» است و نباید با فاصله ترجمه شوند، «کارهای متفاوت» صحیح است!)

۴ خودت ... پسند بگیری («نفسك» مربوط به بخش دوم جمله (تجربه کردن امور مختلف) است، اما در بخش اول (پسندگرفتن) ترجمه شده است!)

عَيْنُ الْخَطَا:

- ۱) العقل أفضل شيءٍ قسمه ربنا بين العباد: عقل برترین چیزی است که پروردگاران (آن را) میان بندگان تقسیم نموده است!
- ۲) سنلتقط صوراً كثيرة في سفرتنا العلمية: در گردش علمی خود عکس‌های فراوانی خواهیم گرفت!
- ۳) سجّلت المناطق الثقافية الإيرانية في قائمة التراث العالمي: مناطق گردشگری ایرانی در لیست میراث جهانی ثبت شده است!
- ۴) قد يستخرج فلاحو قریتنا المیاه من البئر: کشاورزان روستای ما، گاهی آب‌ها را از چاه خارج می‌کنند!

(عربی دهم - درس ۶)

پاسخ: گزینه ۳

مشاوره برای حل کردن این نوع تست‌ها به تمرین و تکرار زیادی نیاز داریم، پس حتماً قبل از آزمون‌ها برای تمرین کردن این مدل تست‌ها وقت کافی بذاریم!

خودت حل کنی بهتره سریعاً ترجمه تمام کلمات رو بررسی کن!

پاسخ تشریحی خطای این گزینه:

گردشگری (معادل «الثقافية: فرهنگی» نیست!)

ترجمه صحیح: «مناطق فرهنگی ایرانی در لیست میراث جهانی ثبت شده است!»

عَيْنُ الْخَطَا فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْحُرُوفِ:

- ۱) إِنَّ الإِصْرَارَ عَلَى نِقَاطِ الْخِلَافِ وَ عَلَى الْعُدْوَانِ لَا يَجُوزُ فِي الإِسْلَامِ!
- ۲) الْعَطْلَةُ يَوْمٌ يَسْتَرِيحُ فِيهِ الْمُوظَّفُونَ وَ الْعَمَالُ وَ الطُّلَابُ!
- ۳) عَلَيْكُمْ الإِهْتِمَامُ بِمُطَالَعَةِ الْكُتُبِ وَ الإِقْتِصَادِ فِي اسْتِهْلَاكِ الْكَهْرَبَاءِ!
- ۴) قَدْ يُعْجِبُنِي جِدّاً حَارِسٌ مَرَمَى فَرِيْقِ الإِسْتِقْلَالِ فِي الْمَلْعَبِ!

(عربی دهم - درس ۵)

پاسخ: گزینه ۳

مشاوره در این تست‌ها لازم نیست همه حرکت‌ها بررسی بشن!!! حتماً ابتدا برید سراغ وزن فعل‌ها و مصدرهای مزید و حرکت نون در آخر جمع‌های مذکر سالم و مثنی! بعد به اسم تفضیل‌ها، اسم فاعل‌ها و اسم مفعول‌ها و در نهایت به فعل‌های مجهول دقت کنید!

پاسخ تشریحی خطاهای این گزینه:

مُطَالَعَة (مصدر باب مفاعلة بر وزن «مُفَاعَلَة» است، نه «مُفَاعِلَة»؛ بنابراین «مُطَالَعَة» صحیح است!) - الْكَهْرَبَاء (تلفظ صحیح این کلمه در عربی، «الْكَهْرَبَاء» است!)

عین عبارتۀ جاء فيها الفاعل و المفعول مبنيين معاً:

- ۱) بعد استماع كلام الفائز الأول في المباراة شجعه الذين كانوا في الصالة!
- ۲) الأشعار التي أنشدها هذان الشاعران أثرت عليّ كثيراً فتغيّرت حياتي!
- ۳) يشارك كلّ المواطنين في الحفاظ على الآثار التاريخية في بلادنا!
- ۴) لا يحزنكم عمل هؤلاء الجهّال لأنهم غافلون عمّا يكون نافعاً لهم!

(عربی دهم - درس ۶)

پاسخ: گزینه ۱

مشاوره برای تشخیص فاعل و مفعول، دوستان نقش ضمائر متصل بسیار مهم هستند: هم‌چنین در تشخیص ضمائر متصل دقت به حروف اصلی فعل‌ها اهمیت دارد.

خودت حل کنی بهتره اسم‌های مبنی عبارت‌اند از: «همه ضمیرها»، «اسم‌های اشاره (به‌جز مثناهاشون)»، اغلب موصولات (مثل «الذي، التي، الذين و...»)، کلمات پرسشی و هر اسمی که ظاهرش در جایگاه‌های مختلف هیچ تغییری نمی‌کند (مثل «من: هر کس، کسی که»، «ما: هر چه، چیزی که»، «إذا: هرگاه» و ...).

درس‌نامه

هرگاه یک ضمیر متصل (ه، هما، هم، ها، ... لك، كُما، كُم، لكِ ...) به یک فعل بچسبد، نقش مفعول را دارد!

مثال: «ك» در «شاهدك» ← تو را دید ✓ / تو دیدی ✗

پاسخ تشریحی بررسی فاعل و مفعول برای فعل‌های هر گزینه:

۱) شَجَّع ← فاعل: «الذين»، مفعول: ضمیر «ه» ← هر دو مبنی

۲) أنشد ← فاعل: «هذان» (معرب)، مفعول: ضمیر «ها» (مبنی) / أثرت ← فاعل: «هي» مستتر، مفعول: - / تغيّرت ← فاعل: «حياة» (معرب)، مفعول: -

۳) يشارك ← فاعل: «كلّ» (معرب)، مفعول: -

۴) لا يحزن ← فاعل: «عمل» (معرب)، مفعول: ضمیر «كم» (مبنی)

عیّن الخبر اسماً علی وزن «مفعول»:

- ۱) التقاط الصّور في بعض الأماكن العسكريّة أو الثقافيّة غير مسموح!
- ۲) إطعام المساکين ممّا لا نأكل موضوع مُنعنا عنه خلال الأحاديث الدینیّة!
- ۳) إنّ هذا المکتوب الّذي أکتشف یؤکّد أنّ اهتمام الإنسان بالذّین أمر فطريّ!
- ۴) ایران بلد مشهور عند السّائحين بمعالّمها الأثريّة الجمیلة الّتي لا نقدر علی إحصاءها!

(عربی دهم - درس ۵)

پاسخ: گزینة ۲

مشاوره تشخیص خبر به تمرین و ممارست زیاد نیاز داره. حتماً برای تمرین کردن های مربوط به این نقش وقت بذارین!

خودت حل کنی بهتره به دنبال کلمه‌ای باش که معنای جمله رو کامل می‌کنه! حواست باشه که در ترجمه، قبل از خبر هیچ وقت حرف‌هایی مثل «که»، «تا» و «و» نمیاد!

درس نامه

برای تشخیص خبر، باید جمله را ترجمه کنید. خبر غالباً در کنار فعل «است» به کار می‌رود. اگر در ترجمه «است» نداشتیم هم احتمالاً فعل جمله خبر است! ضمناً معمولاً قبل از آمدن خبر، مکث می‌کنیم.

پاسخ تشریحی بررسی خبر در گزینه‌ها:

- ۱) کلمه «غیر» ← بر وزن «مفعول» نیست! (عکس گرفتن ... غیر مجاز است!)
 - ۲) کلمه «موضوع» ← بر وزن «مفعول» است! (غذا دادن به فقیران ... موضوعی است که ...)
 - ۳) فعل «یؤکّد» ← بر وزن «مفعول» نیست! (این نوشته‌ای که کشف شده، تأکید می‌کند ... / توجه انسان به دین امری فطری است!)
 - ۴) کلمه «بلد» ← بر وزن «مفعول» نیست! (ایران، کشور مشهوری است ...)
- بنابراین ۲ صحیح است.

نکته اگر تشخیص دادید که یک گروه اسمی ترجمه جمله را کامل می‌کند، فقط اسم اول آن گروه، خبر است!

مثل عبارت ۱) که در آن «غیر مسموح» کامل‌کننده معنای جمله است، اما فقط «غیر» خبر به حساب می‌آید و «مسموح» مضاف‌الیه است! یا مثل عبارت ۴) که در آن «بلد مشهور» کامل‌کننده معنای جمله است، اما فقط «بلد» خبر به حساب می‌آید و «مشهور» صفت است!

عین اسماً مرفوعاً بالألف:

- ۱) طیران تلك الطيور الجميلة يُعجب الناس جنب الشاطيء!
- ۲) لا یتفنعنا العَدوان و الخِلاف فعلینا تعایش سلمی مع بعضنا!
- ۳) أرسلني والدای في العشرين من عمري إلى طهران لتکمیل دراستي!
- ۴) کانتِ المديرية و معلّمة الأدب تنصحان زميلتنا للمحاولة الكثيرة!

(عربی دهم - درس ۶)

پاسخ: گزینه ۳

مشاوره شناخت اسم‌هایی که به «ان» ختم می‌شوند، اما مثنی نیستند، اهمیت بسیاری دارد!

خودت حل کنی بهتره بگرد ببین در کدام کلمه ساختار «اسم مفرد + ان...» داریم. یک اسم مرفوع به الف قطعاً چنین ساختاری دارد.

درس نامه

هر کلمه‌ای که به «ان» ختم شود لزوماً مثنی نیست! ممکن است مفرد یا جمع مکسر باشد. تنها زمانی ساختار مثنی داریم که «اسم مفرد + ان» داشته باشیم.

مثال: «العَدوان: دشمنی» ← مفرد ✓ مثنی ✗

«العَدَوَان: العَدَو (دشمن) + ان» ← مثنی ✓

پاسخ تشریحی اسمی مرفوع به الف است که مثنی باشد و «ان» داشته باشد (گاهی «ن» آخر مثنی حذف می‌شود؛ پس نشانه «ا» کافی است!)

ساختار اسم مثنی ← اسم مفرد + ا + ن (گاهی حذف می‌شود) / اسم مفرد + ی + ن (گاهی حذف می‌شود).

در ۳ «والدای» در اصل «والدان + ی» است؛ بنابراین «والدا» مثنی و مرفوع به الف است!

در ۱ «طیران: پرواز کردن» و در ۲ «العَدوان: دشمنی» مفرد هستند، نه مثنی!

در ۴ هم «تنصحان: نصیحت می‌کنند» فعل مثنی است، نه اسم مثنی!

- ۱) بگو در زمین بگردید پس بنگرید چگونه آفرینش را آغاز کرد.
- ۲) گفت در زمین گشتند پس نگریستند چطور خلقت را شروع کرد.
- ۳) بگو در زمین سیر کنید پس نگاه کنید چگونه آفرینشش آغاز شد.
- ۴) گفت در زمین سیر کنید پس نگاه کنید چطور خلقت شروع شد.

پاسخ: گزینه ۱ (آسان - خط به خط - ترجمه)

بررسی گزینه‌ها:

قُل: بگو ← رد گزینه‌های ۲ و ۴ ← فعل امر است و نباید به صورت ماضی ترجمه شود.

توجه به زمان فعل در تست ترجمه از رایج‌ترین تکنیک‌های رد گزینه است.

سیروا: بگردید ← رد گزینه ۲

الخلق: آفرینش را ← رد گزینه‌های ۳ و ۴

با توجه به منصوب بودن «الخلق» متوجه می‌شویم که مفعول است و نباید به صورت فاعل ترجمه شود؛ زیرا فاعل مرفوع است.

مبحث اعراب معمولا در تست‌های قواعد و تحلیل صرفی کاربرد دارد، اما گاهی مانند این تست، اعراب یک واژه به ما نشان می‌دهد که چطور باید ترجمه شود. لذا به اعراب کلمات در تست‌های ترجمه دقت کنید.

﴿لَا تَقْدِرُ الْبَوْمَةَ أَنْ تُحْرِكَ عَيْنَيْهَا لَكِنَّهَا تَدِيرُ رَأْسَهَا مِثْلَيْنِ وَ سَبْعِينَ دَرَجَةً فَتَعْوِضُ نَقْصَهَا!﴾:

- ۱) جغد قادر نیست چشمش را حرکت دهد ولی سرش صد و هفتاد درجه می‌چرخد پس نقص خود را جبران می‌کند!
- ۲) جغد قادر به حرکت دادن چشم‌هایش نیست ولی سرش را دویست و هفتاد درجه می‌چرخاند پس این نقصش را جبران می‌کند!
- ۳) جغد نمی‌تواند چشمان خود را حرکت دهد ولی سرش را دویست و هفتاد درجه می‌چرخاند پس نقصش را جبران می‌کند!
- ۴) جغد نمی‌تواند چشمانش را حرکت دهد پس سرش را دویست و هفتاد درجه می‌چرخاند تا نقصش جبران شود!

پاسخ: گزینه ۳ (متوسط - ترکیبی - ترجمه)

بررسی گزینه‌ها:

لا تقدر: نمی‌تواند ← رد گزینه‌های ۱ و ۲

فعل را نباید به صورت اسم ترجمه کنیم.

أَنْ تُحْرِكَ: حرکت دهد ← رد گزینه ۲

لَكِنَّ: ولی ← رد گزینه ۴

مِثْلَيْنِ: دویست ← رد گزینه ۱

نَقْصَهَا: نقصش را ← رد گزینه ۴

با توجه به منصوب بودن «نقص» متوجه می‌شویم که مفعول است و نباید به صورت فاعل ترجمه شود.

«كُلُّ طَعَامٍ لَا يُذَكَّرُ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ ... لَا بَرَكَةَ فِيهِ!»:

- ۱) هر خوراکی که نام خداوند بر آن ذکر نمی‌گردد، هیچ برکتی در آن نیست!
- ۲) تمام غذاهایی که نام خدا بر آنها ذکر نشده، هیچ برکتی ندارند!
- ۳) هیچ برکتی در غذایی که نام خدا بر آن ذکر نمی‌شود نیست!
- ۴) هر غذایی که نام الله را بر آن ذکر نکنی، برکتی ندارد!

پاسخ: گزینه ۱ (متوسط - خط به خط - ترجمه)



بررسی گزینه‌ها:

کل طعام: هر غذایی ← رد گزینه‌های ۲ و ۳

تکنیک ترجمه «كَلَّ»:

كَلَّ + اسم مفرد بدون «ال»: «كَلَّ» به صورت «هر» ترجمه می‌شود: كَلَّ تَلْمِيذٌ: هر دانش‌آموزی
 كَلَّ + اسم جمع: «كَلَّ» به صورت «همه» ترجمه می‌شود: كَلَّ التَّلَامِيذُ: همه‌ی دانش‌آموزان
 كَلَّ + اسم مفرد «ال» دار: «كَلَّ» به صورت «همه، تمام» ترجمه می‌شود: كَلَّ الْيَوْمَ: تمام روز
 كَلَّ + مِن: مجموع «كَلَّ مِن» به صورت «هر یک» ترجمه می‌شود: كَلَّ مِنَ الْآيَاتِ: هر یک از روزها

لا يُذَكَّرُ: ذکر نمی‌گردد ← رد گزینه‌های ۲ و ۴ ← فعل مجهول است و نباید به صورت معلوم ترجمه شود.

فعل مجهول:

فعل در جمله نیازمند فاعل (انجام دهنده) است. گاهی اوقات فاعل را حذف می‌کنیم و فعل را مجهول می‌کنیم.
مثلاً: علی تمارینش را نوشت (معلوم)
 تمارین نوشته شد (مجهول)
 پس ما به دلیل این‌که فاعل یک فعل حذف شده، بهش می‌گوییم مجهول. در اصل باید بگوییم فعلی که فاعلش مجهول.

طریقه مجهول کردن فعل معلوم در زبان عربی:

به نحوه مجهول کردن فعل ماضی و مضارع توجه کنید:

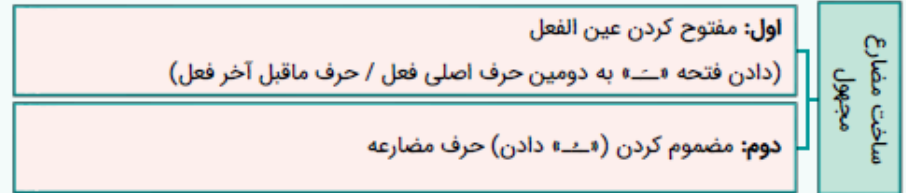
طریقه مجهول کردن فعل ماضی (مَاضِي):

<p>اول: مکسور کردن عین الفعل* (دادن کسره «ِ» به دومین حرف اصلی فعل / حرف ماقبل آخر فعل)</p>	ساخت ماضی مجهول
<p>دوم: مضموم کردن («ِ» دادن) تمام حروف متحرک (حرکت دار) قبل از عین الفعل</p>	

* از سه حرف اصلی فعل، به دومین حرف، عین الفعل می‌گوییم. مثلاً در «ضَرَبَ» حرف «ر» عین الفعل می‌باشد.


ضَرْبٌ: زده شد	←	ضَرْبٌ: زد
أَغْلَقٌ: بسته شد	←	أَغْلَقٌ: بست
قَدَّمَ: تقدیم شد	←	قَدَّمَ: تقدیم کرد
أَسْتَحْدِمُ: به کار گرفته شد	←	أَسْتَحْدِمُ: به کار گرفت

طریقه مجهول کردن فعل مضارع (سُـ):



يُضْرَبُ: زده می شود	←	يَضْرَبُ: میزند
نُكِرْتُ: گرمی داشته می شویم	←	نُكِرْتُ: گرمی می داریم
يُسْتَحْدَمَانُ: به کار گرفته می شوند	←	يَسْتَحْدِمَانُ: به کار می گیرند


بنابراین با اعمال تغییراتی در حرکات حروف فعل، فعل را از حالت معلوم به حالت مجهول تبدیل می کنیم. می توانیم نتیجه بگیریم که طریقه مجهول کردن فعل ها، تغییر دادن حرکات حروف آنهاست.


فقط فعل های متعدی مجهول می شوند. فعل های لازم (بدون مفعول) مجهول نمی شوند. 

طریقه ترجمه فعل مجهول: 

فعل مجهول در فارسی با فعل کمکی از مصدر «شدن» ترجمه می شود. نوشته شد / می شود و ...

لا برکت: هیچ برکتی ... نیست ← رد گزینه ۴

«لا» نفی جنس باید به صورت «هیچ» ترجمه شود. 

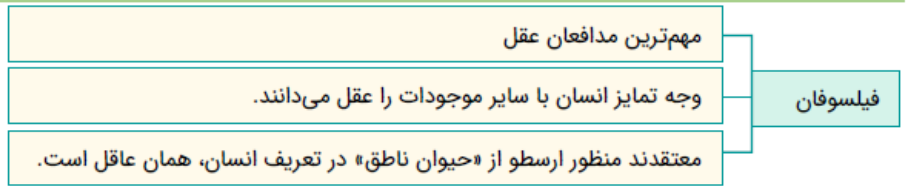
 **دقت کنید:** در گزینه ۳ ساختار جمله به هم ریخته است.

کدام گزینه درباره نقش عقل در فلسفه درست است؟

- ۱) از آنجا که تاریخ عقل و فلسفه با یکدیگر پیوند خورده‌اند، افول عقلانیت سبب نزول جایگاه فلسفه در جامعه می‌شود.
- ۲) رابطه تأثیر و تأثر میان عقل و فلسفه وجود دارد و تحولات محدوده عقل بر اموری مانند عرفان و شهود نیز اثرگذار است.
- ۳) همواره از فیلسوفان به‌عنوان مهم‌ترین مدافعان عقل یاد می‌کنند و همین موضوع حاکی از نقش مهم عقل در فلسفه است.
- ۴) گره خوردن مفهوم فلسفه با دین و عرفان، بیانگر سازگاری این سه مفهوم با یکدیگر و حاکم بودن عقل استدلالی بر آن‌ها است.



پاسخ: گزینه ۱ (آسان - خط به خط - ۱۳۰۷)



نکته: میان تاریخ عقل و تاریخ فلسفه، رابطه تأثیر و تأثر حاکم است و تحولات معنا و محدوده عقل بر تحولات فلسفه تأثیر می‌گذارد.

پاسخ شیری

تاریخ فلسفه با تاریخ عقل، پیوندی ناگسستنی و جدایی‌ناپذیر دارد، پس تحولات معنا و محدوده عقل بر تحولات فلسفه اثرگذار است؛ در نتیجه افول عقلانیت سبب افول فلسفه و تنزل جایگاه فلسفه در جامعه می‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۲) تحولات عقل و فلسفه بر یکدیگر اثرگذار هستند؛ نه عقل و شهود و عرفان.
- ۳) معمولاً از فیلسوفان به‌عنوان مهم‌ترین مدافعان عقل یاد می‌شود؛ نه همیشه.
- ۴) مفهوم فلسفه با عقل و عقلانیت گره خورده است؛ نه دین و عرفان.

کدام یک از گزینه‌های زیر، توصیف‌کننده عقل به‌عنوان دستگاه تفکر و استدلال نیست؟

- ۱) نوعی توانمندی فوق‌العاده محسوب می‌شود.
- ۲) همان کارکرد و کاربرد رایج میان مردم است.
- ۳) برای برخی انسان‌ها به فعلیت و شکوفایی نمی‌رسد.
- ۴) برای هرکاری ابتدا باید از عقل استدلالی استفاده کرد.




پاسخ: گزینه ۳ (متوسط - مفهومی - ۱۳۰۷)



ویژگی‌های عقل استدلالی:

۱. کارکرد رایج بین مردم است. ← یعنی مردم عادی وقتی از «عقل» سخن می‌گویند، منظورشان عقل استدلالی است.

۲. مربوط به توانمندی استدلال کردن و تعریف کردن است. ← در کتاب منطق با کارکردهای تفکر (تعریف و استدلال) آشنا شدیم.
۳. هدف آن به دست آوردن حقایق است. ← برخلاف حس و تجربه که ممکن است اهداف دیگری داشته باشند.
۴. مختص انسان است. ← به حدی که برخی فیلسوفان، انسان را به عنوان «حیوان متفکر» تعریف می‌کنند.
۵. وجود و عدم را درک می‌کند. ← همان عقل نظری است.
۶. خوب و بد را تشخیص می‌دهد. ← همان عقل عملی است.
۷. از قوه به فعل تبدیل می‌شود. ← یعنی در ابتدا صرفاً استعداد محض است و به مرور به شکوفایی می‌رسد.
۸. برای همه انسان‌ها به فعلیت می‌رسد. ← یعنی همه انسان‌ها مراحل رشد عقل را طی می‌کنند؛ اما ممکن است زمان آن متفاوت باشد.
۹. در اثر آموزش رشد می‌کند. ← یعنی در اثر آموزش و تکرار و تمرین به شکوفایی می‌رسد.
۱۰. در افراد مختلف متفاوت است. ← یعنی توانایی استدلال و تعریف در انسان‌های مختلف، متفاوت است.
۱۱. برای هر کاری اول باید از عقل استفاده کرد. ← یعنی انجام امور مختلف در انسان، تابع استفاده از تفکر و عقل است.
۱۲. در فلسفه بیشتر استفاده می‌شود. ← زیرا روش فلسفه عقلی است.
۱۳. یک توانمندی فوق‌العاده است. ← زیرا سایر حیوانات فاقد این توانایی هستند.

مشاوره: حتماً همهٔ ویژگی‌های بالا را در کتاب درسی یادداشت کنید؛ چرا که در تست‌های مختلف مورد توجه قرار می‌گیرند. 

پاسخ تشریحی:

عقل هر انسانی به فعلیت و شکوفایی می‌رسد؛ اما ممکن است میزان این فعلیت با دیگران متفاوت باشد یا دیرتر از سایرین به فعلیت برسد.

دام تستی:

اینکه در کتاب درسی گفته شده: «اگر تربیت عقلانی به خوبی صورت نگیرد، عقل به توانایی‌های لازم نمی‌رسد»، بدان معنا نیست که عقل به فعلیت نمی‌رسد؛ بلکه منظور آن است که به فعلیت کمتری می‌رسد.



مثال: عقل انسانی که IQ بسیار پایینی نیز دارد، به فعلیت رسیده است؛ اما میزان این فعلیت کم است.

پرسی سایر گزینه‌ها:

۱. استدلال و تفکر، نوعی توانمندی فوق‌العاده محسوب می‌شود و سایر حیوانات فاقد این توانمندی هستند.
۲. مردم عادی زمانی که از عقل صحبت می‌کنند، منظورشان عقل استدلالی است.
۴. انسان برای هر کاری ابتدا باید به عقل و تفکر خود رجوع کند.

- ۱) اثبات این موجودات از طریق عقل استدلالی امکان پذیر است.
- ۲) این موجودات دارای کم‌ترین درجه جسمانیت مادی هستند.
- ۳) صرفاً روح برخی انسان‌ها، توانایی رسیدن به آن‌ها را دارد.
- ۴) ذات و ماهیت این موجودات، واجب‌الوجود بالذات است.

(متوسط - مفهومی - ۱۴۰۷)

پاسخ: گزینه ۱



ویژگی‌های عقل متعالی:



۱. موجودات بدون جسم هستند. ← یعنی غیرمادی و مجرد از ماده هستند.
۲. در قید زمان و مکان نیستند. ← یعنی تابع قوانین مادی و فیزیکی نیستند.
۳. در عالم عقل قرار دارند. ← یعنی درون بخشی از جهان مجردات قرار دارند.
۴. با حواس درک نمی‌شوند. ← زیرا حواس امور غیرمادی را درک نمی‌کند.
۵. با استدلال اثبات می‌شوند. ← زیرا استدلال عقلی شامل امور مادی و غیرمادی می‌شود.
۶. صرفاً با شهود مشاهده می‌شوند. ← پس با استدلال عقلی، مشاهده نمی‌شوند و صرفاً از طریق استدلال اثبات می‌شوند.
۷. این موجودات فاقد قوه استدلال هستند. ← زیرا استدلال مخصوص انسان است.
۸. علم این موجودات حضوری و به فعلیت کامل رسیده است. ← زیرا مجرد از ماده هستند و مستقیماً از پروردگار امور را دریافت می‌کنند.
۹. در فعلیت محض هستند. ← پس نیازی به آموزش و تربیت ندارند.
۱۰. با تهذیب نفس می‌توان به مرتبه آن‌ها رسید. ← انسان از طریق سیر و سلوک می‌تواند شهود کرده و مرتبه آن‌ها را درک کند.
۱۱. درک آن‌ها بدیهی نیست. ← یعنی درک آن‌ها نیازمند شهود است.
۱۲. همگی واجب‌الوجود بالغیر هستند. ← زیرا توسط خداوند آفریده شده‌اند.

مشاوره: ویژگی‌های «عقل متعالی» که در این کادر نوشته‌ایم را با ویژگی‌های «عقل استدلالی» که در سؤال قبلی بود، مقایسه کنید.

پاسخ تشریحی:

موجودات عالم عقل، همگی غیرمادی هستند، اما از طریق عقل استدلالی قابل اثبات هستند؛ چرا که در فلسفه یازدهم نیز خواندیم که عقل استدلالی، توانایی اثبات امور مادی و غیرمادی را دارد.

دام تستی:

موجودات عالم عقل، از طریق استدلال قابل مشاهده نیستند؛ اما از طریق استدلال قابل اثبات هستند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

این موجودات، به صورت کلی غیرمادی و فاقد جسم هستند؛ نه این که دارای کم‌ترین درجه جسمانیت باشند.

نکته: موجودات غیرمادی، در قید زمان و مکان و قوانین فیزیکی نیستند.

روح هر انسانی، توانایی رسیدن به مرتبه عقل غیرمادی را دارد.

نکته: لازمه رسیدن به مرتبه عقل، تهذیب نفس و تربیت عقلانی است.

این موجودات توسط خداوند، آفریده شده‌اند؛ پس همگی آن‌ها واجب‌الوجود بالغیر هستند.

نکته: تنها واجب‌الوجود بالذات، خداوند است.

راز طراح: تست‌های این درس، کاملاً مبتنی بر کلیدواژه‌هاست؛ یعنی باید ویژگی‌های عقل متعالی و عقل استدلالی را با زبان‌های مختلف به یاد داشته باشید. برای این که کار شما راحت شود، پس از بررسی حداقل چندصد تست در کتب مختلف، مهم‌ترین کلیدواژه‌های مربوط به عقل استدلالی و عقل متعالی را در کادر آموزشی این تست و تست قبلی برای شما نوشته‌ایم.

کدام گزینه در تکمیل عبارت زیر مناسب‌تر است؟

هراکلیتوس برخلاف به عقل در معنای متعالی اعتقاد داشت و «لوگوس» را در هر دو کاربرد برای عقل به کار می‌برد و منظور او از «نطق»
که ارسطو در تعریف «انسان» به عنوان مقصود اصلی از «نطق» مدنظر داشت و دیدگاه او در خصوص ظاهر و باطن مستقیماً با دیدگاه‌های فلسفی شباهت داشت.

- (۱) کنت - همان بود - افلاطون
(۲) دکارت - آن گونه نبود - افلاطون
(۳) فرانسیس بیکن - همان بود - ارسطو
(۴) بزرگان دوره اول کلیسا - آن گونه نبود - ارسطو

پاسخ: گزینه ۲ (دشوار - ترکیبی - ۱۲۰۷)

پاسخ تشریحی:

بخش اول سؤال:

دکارت، اوگوست کنت و فرانسیس بیکن به عقل متعالی اعتقاد نداشتند.

هراکلیتوس و بزرگان دوره اول کلیسا، به عقل متعالی اعتقاد داشتند.

بخش دوم سؤال:

منظور هراکلیتوس از نطق، صرفاً سخن گفتن بود و معنای تفکر را مدنظر نداشت؛ چرا که نطق را در کنار سخن و کلمه به کار می‌برد و تفکر کردن را جداگانه نام می‌برد؛ همچنین لازم به ذکر است که کاربرد نطق در معنای تفکر از زمان ارسطو رایج شد و در زمان هراکلیتوس، نطق صرفاً در معنای ظاهری و سخن گفتن به کار می‌رفته است.

منظور اصلی ارسطو از نطق، تفکر کردن بود.

پس دیدگاه این دو فیلسوف از این نظر با یکدیگر تفاوت دارد.

بخش سوم سؤال:

هراکلیتوس، نطق و سخن و کلمه را نشانه‌ اندیشه‌های انسان و اشیاء جهان را نشانه‌ حقیقت متعالی و برتر از ماده می‌دانست. افلاطون، سایه‌های درون غار را نشانه‌ وجود اشیاء واقعی در بیرون غار و اشیاء جهان را نشانه‌ وجود حقیقت متعالی در جهان مَثَل می‌دانست. پس دیدگاه این دو فیلسوف از این نظر با یکدیگر شباهت دارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ بخش دوم نادرست است.

۳ بخش دوم و سوم نادرست است.

۴ بخش اول و سوم نادرست است.

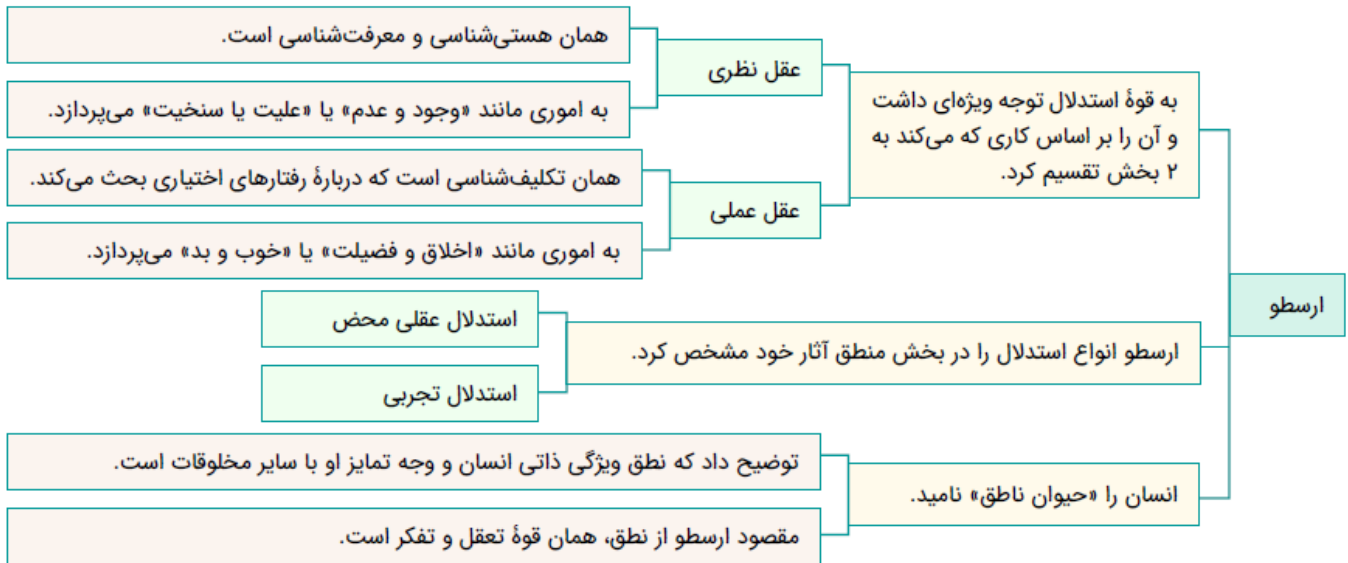
مشاوره: با وجود این‌که ممکن است چنین سؤالاتی دشوار نباشند و صرفاً ظاهر فریبنده‌ای داشته باشند، ترجیحاً دور اول به سراغ آن‌ها نروید و پس از حل آخرین سؤال فلسفه، با آرامش خاطر به سراغ این سؤالات و رد گزینه‌های آنان بروید.

گروه آموزشی ماز

۵۵ کدام گزینه بیانگر دیدگاه ارسطو درباره «عقل» است؟

- ۱) عقل متعالی و برتر از ماده دارای اعتبار نیست.
- ۲) عقل نظری به لزوم رعایت قانون و اخلاق می‌پردازد.
- ۳) استدلال تجربی کاربرد سودمندی در علوم بشری ندارد.
- ۴) سلب تفکر از انسان، سبب همانندی او با سایر حیوانات است.

پاسخ: گزینه ۴ (متوسط - مفهومی - ۱۴۰۷)



پاسخ سئواری:

ارسطو، عقل و تفکر و نطق را وجه تمایز انسان از سایر حیوانات تلقی می‌کند؛ پس اگر این امور را از انسان سلب کنیم، انسان وجه تمایزی با سایر حیوانات نخواهد داشت و شبیه آن‌ها می‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ ارسطو به هردو کاربرد عقل توجه داشت.

نکته: این‌که ارسطو به عقل در کاربرد استدلالی توجه ویژه‌ای کرد؛ بدان معنا نیست که به عقل متعالی اعتقادی نداشت.

ارسطو استدلال تجربی را از استدلال عقلی تفکیک کرد و کاربرد هر کدام را مشخص نمود؛ این موضوع بدان معنا نیست که ارسطو استدلال تجربی را بی‌اعتبار و بی‌فایده تلقی کند.

گروه آموزشی ماز

درباره تحولات عقل در اروپا و جدال آن با دین، می‌توان گفت:

- ۱) عمدتاً ناشی از اختلاف در اعتبار یا عدم اعتبار عقل بود.
- ۲) با ترجمه آثار ابن‌سینا، تضعیف عقل در کلیسا آغاز گردید.
- ۳) در دوره اول کلیسا، ایمان قوی معلول مبارزه با فلاسفه بود.
- ۴) نهایتاً عقل بر دین حاکم و یگانه معیار درستی یا نادرستی شد.



پاسخ: گزینه ۴

(متوسط - خط به خط - ۱۳۰۷)

ویژگی‌های دوره اول کلیسا:



۱. بزرگان کلیسا دخالت عقل را، عامل تضعیف ایمان می‌دانستند.
۲. عقل دشمن ایمان تلقی می‌شد.
۳. عقل از جانب بزرگان کلیسا شیطانی پنداشته می‌شد.

۴. ایمان قوی را معلول ایستادن مقابل عقل می‌دانستند.

۵. به اموری اعتقاد داشتند که از نظر عقلی ممکن نبود و همین علت مخالفت آن‌ها با عقل بود. (مثلاً ۳ تا بودن خدا، آمدن خدا روی زمین و...)

ویژگی‌های دوره دوم کلیسا:



۱. حکمای مسیحی، تحت تأثیر ترجمه آثار ابن‌سینا و ابن رشد، به عقل روی آوردند.
۲. همچنان عقل و دین سازگاری نداشتند و این عدم سازگاری نهایتاً به عقب‌نشینی کلیسا و تضعیف مسیحیت منجر شد.
۳. این عقب‌نشینی تا دوره رنسانس که عقل جای دین را گرفت، ادامه‌دار بود.
۴. در این دوره اجباراً مسائل دینی را با عقل تبیین می‌کردند؛ مثلاً می‌گفتند به فلان دلیل عقلی باید مراسم‌های دینی را انجام داد.
۵. ساحت اجتماعی دین کم‌رنگ می‌شود ولی اصل دین از بین نمی‌رود.

ویژگی‌های دوره رنسانس:



۱. عقل جای دین را می‌گیرد و معیار درستی و نادرستی عقاید می‌شود.
۲. پس از پذیرش عقل، اختلاف میان فلاسفه در حدود توانایی‌های عقل شدت می‌گیرد.
۳. اختلاف فلاسفه سبب تقسیم آن‌ها به دو گروه «تجربه‌گرا» و «عقل‌گرا» می‌شود.

پاسخ شریعی:

در دوره رنسانس، دین مجبور به عقب‌نشینی کامل شده و عقل کاملاً جای دین را می‌گیرد، به طوری که یگانه معیار درستی یا نادرستی امور می‌شود.

پرسی سایر گزینه‌ها:

۱) این تحولات، عمدتاً ناشی از حدود توانایی‌های عقل بود؛ نه اعتبار عقل.



مثال: فیلسوفی توانایی عقل را منحصر در درک امور مادی و فیلسوف دیگر توانایی عقل را در درک امور مادی و غیرمادی می‌داندست.

۲

با ترجمه آثار ابن‌سینا و ابن‌رشد در اروپا، عقل در اروپا تقویت شد.

۳

در دوره اول حاکمیت کلیسا، رسیدن به ایمان قوی از طریق ایستادن مقابل عقل ممکن بود؛ نه ایستادن در مقابل فلاسفه.

گروه آموزشی ماز

۵۷

کدام عبارت بیانگر نظر فرانسیس بیکن است؟

- ۱) روش استدلالی تنها با محوریت تجربه می‌تواند بهترین روش برای پیشرفت بشر باشد.
- ۲) دنباله روی از دیدگاه معرفت‌شناسی ارسطو در فلسفه سبب عدم پیشرفت علوم است.
- ۳) نگاه فیلسوفان به جهان هستی ناظر بر واقعیت نیست و ساخته ذهن خود آن‌ها می‌باشد.
- ۴) تجربه، تنها راه برای پیشرفت بشر است و عقل استدلالی محض به کلی فاقد اعتبار است.



پاسخ: گزینه ۲ (دشوار - مفهومی - ۱۲۰۷)



فرانسیس بیکن:

۱. مؤسس تجربه‌گرایی در قرن ۱۶ میلادی است.
۲. روش تجربی را بهترین روش برای پیشرفت بشر می‌داندست.
۳. از فیلسوفان خواست از بت‌هایی که فلاسفه قدیم ساخته‌اند (استدلال عقلی محض) دست بردارند.
۴. استدلال عقلی بدون تجربه را بتی می‌داند که فلاسفه قدیم ساخته‌اند.
۵. اعتقاد داشت باید بیش از گذشته به تجربه تکیه کرد.
۶. تنها به کارکرد اول عقل اعتقاد داشت.

پاسخ تشریحی:

فرانسیس بیکن از فیلسوفان می‌خواهد که از روش استدلالی محض (که همان روش ارسطو است) دست بکشند و از بت‌هایی که فلاسفه قدیم ساخته‌اند (همان استدلال عقلی محض) پیروی نکنند و بیش از گذشته به تجربه روی آورند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱

فرانسیس بیکن از استدلال حرفی نمی‌زند و روش تجربی را بهترین روش برای پیشرفت بشر می‌داند.



مشاوره: حتی اگر این گزینه را نیز درست بگیرید؛ در مقایسه با گزینه ۲ بهتر است از این گزینه صرف نظر کرده و گزینه ۲ را انتخاب کنید.

۳

این عبارت مربوط به دیدگاه اوگوست کنت است.

۴

اولاً این عبارت بیشتر به دیدگاه هیوم شباهت دارد؛ دوماً فرانسیس بیکن، تجربه را بهترین روش برای پیشرفت بشر می‌داند؛ نه تنها روش.

نکته: دیدگاه هیوم در خصوص تجربه، افراطی‌تر از فرانسیس بیکن بود.

مشاوره: تست مذکور با ظاهری مشابه، اما در خصوص «اوگوست کنت» در کنکور سراسری ۱۴۰۰ آمده بود.

گروه آموزشی ماز

عبارت زیر ممکن است مورد قبول کدام یک از فلاسفه باشد؟

«فلسفه به شیوه ارسطو، افلاطون، فارابی و ابن سینا نمی تواند یک دانش تلقی شود»

- ۱) اوگوست کنت - دکارت
۲) هیوم - اوگوست کنت
۳) هراکلیتوس - بیکن
۴) هراکلیتوس - دکارت

پاسخ: گزینه ۲ (آسان - مفهومی - ۱۴۰۷)

پاسخ تشریحی:

فلسفه به شیوه «ارسطو، افلاطون، فارابی و ابن سینا» همان استدلال عقلی محض است که هیوم و اوگوست کنت آن را نمی پذیرند.

مشاوره: آخرین سؤال این آزمون بسیار ساده بود و اگر مدیریت زمان ضعیفی داشتید، این سؤال را از دست می دادید؛ به همین دلیل توصیه می شود: ۱) زمان خود را به نحوی مدیریت کنید که حداقل یک دور همه سؤالات را خوانده باشید. ۲) سؤالات وقت گیر و طولانی را در دور اول پاسخگویی، رها کنید.

۵۹

کدام گزینه به نحو دقیق تری چگونگی کسب توانایی استدلال در انسان را توضیح داده است؟

- ۱) کسب دانش‌ها و حقایق به نحو دقیق تر سبب می شود که عقل انسان توانایی استدلال کردن را کسب کند.
۲) از طریق تربیت و تمرین این توانایی فوق العاده به فعلیت می رسد و انسان توانایی استدلال کردن را کسب می کند.
۳) از طریق ممارست عقلانی و تهذیب نفس، این استعداد فوق العاده به فعلیت می رسد و انسان شروع به استدلال می کند.
۴) آموختن فلسفه به عنوان دانشی که در آن عقل استدلالی محض استفاده می شود، سبب تقویت توانایی استدلال می شود.

پاسخ: گزینه ۲ (متوسط - خط به خط - ۱۴۰۷)

هر آنچه که درباره «استدلال عقلی» در درس ۷ فلسفه دوازدهم آمده است:

- ۱- مربوط به قوه عقل است.
- ۲- انسان به کمک آن، دانش‌ها و حقایق را کسب می کند.
- ۳- وجود و عدم به واسطه استدلال درک می شود.
- ۴- کارهای خوب و بد به واسطه استدلال تشخیص داده می شوند.
- ۵- در ابتدای کودکی صرفاً به صورت یک استعداد بالقوه در انسان وجود دارد.
- ۶- با تربیت و تمرین به شکوفایی و فعلیت می رسد.
- ۷- برخی انسان‌ها قدرت استدلال قوی تر و برخی قدرت استدلال ضعیف تری دارند.
- ۸- دانش فلسفه با استدلال عقلی محض سر و کار دارد.
- ۹- استفاده دانش فلسفه از استدلال عقلی بیشتر از سایر علوم است.

پاسخ تشریحی:

انسان در ابتدا به صورت بالفعل فاقد توانایی استدلال کردن است و صرفاً استعداد آن را دارد؛ اما می تواند از طریق تربیت و تمرین این توانایی بالقوه را به فعلیت برساند و از آن استفاده کند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) اولاً این عبارت ارتباطی با صورت سؤال ندارد و در کتاب درسی درباره راه به فعلیت رساندن عقل، مطلبی ذکر نشده است؛ ثانیاً همین که بخواهیم دانش‌ها و حقایق را کسب کنیم، نیازمند استدلال هستیم؛ پس ابتدا باید قدرت استدلال را همانطور که در گزینه دوم گفته شده، کسب کنیم و سپس به کسب دانش‌ها و حقایق بپردازیم، زیرا بخش زیادی از دانش‌ها به واسطه استدلال کسب می شوند.

۲) در کتاب درسی حرفی از تهذیب نفس و ارتباط آن با کسب توانایی استدلال زده نشده است.

۳) اولاً این عبارت ارتباطی با صورت سؤال ندارد و در کتاب درسی درباره راه به فعلیت رساندن عقل، مطلبی ذکر نشده است؛ ثانیاً صورت سؤال مربوط به «کسب توانمندی استدلال» است؛ نه تقویت آن.

راز طراح: در چنین سؤالاتی که طراح از قید «به نحو دقیق تری» در صورت سؤال استفاده کرده، احتمالاً تست بیش از یک پاسخ دارد که باید از میان آن‌ها، بهترین و دقیق ترین پاسخ را مطابق با متن کتاب درسی انتخاب کنید.

کدام گزاره به نحو بهتری عبارت زیر را تفسیر می‌کند؟

علم عقول از طریق استدلال و کنار هم گذاشتن مفاهیم نیست، بلکه این موجودات حقایق را بی‌واسطه درک می‌کنند.

- ۱) نمی‌توان از طریق استدلال و ابزارهای مادی به عقول (فرشتگان) علم پیدا کرد و آن‌ها را مشاهده نمود.
- ۲) روح هر انسانی در صورت تهذیب نفس و سیر و سلوک توانایی رسیدن به مرتبه وجودی عالم عقول را دارد.
- ۳) موجودات عالم عقل (فرشتگان) از ماده و جسم مجردند و توانمندی استدلال را به‌صورت کامل در اختیار دارند.
- ۴) موجوداتی که در عالم عقول قرار دارند، از طریق شهود، حقایق را درک کرده و به استدلال مفهومی نیازی ندارند.

پاسخ: گزینه ۴ (متوسط - مفهومی - ۱۲۰۷)



موجوداتی که در عالم عقول قرار دارند:



- ۱- مادی نیستند.
- ۲- در قید زمان و مکان نیستند.
- ۳- تابع قوانین فیزیکی نیستند.
- ۴- در افعال خود به ابزارهای مادی نیاز ندارند.
- ۵- با حواس ظاهری نمی‌توان آن‌ها را درک کرد.
- ۶- علم آن‌ها حضوری و بی‌واسطه از طریق شهود است.
- ۷- روح هر انسانی توانایی رسیدن به مرتبه عقول را دارد.
- ۸- انسان می‌تواند از طریق تهذیب نفس به مرتبه‌ای برسد که کاملاً از ماده و جسم مجرد شود و حقایق را همچون فرشتگان شهود کند.

پاسخ تشریحی:

موجوداتی که در عالم عقول قرار دارند (فرشتگان)، از طریق استدلال و کنار هم گذاشتن مفاهیم به فهم حقایق نمی‌پردازند؛ بلکه علم این قبیل موجودات از طریق شهود و به‌صورت بی‌واسطه است.

نکته: شهود قلبی، به‌صورت بی‌واسطه و حضوری حقایق را در باطن موجودات تجلی می‌دهد.



بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱) صورت سؤال به راه کسب علم توسط خود عقول اشاره دارد؛ نه اینکه ما آن‌ها را چگونه می‌شناسیم.
- ۲) محتوای این عبارت درست است؛ اما ارتباطی با عبارت مذکور در صورت سؤال ندارد.
- ۳) اولاً این عبارت ارتباطی با صورت سؤال ندارد؛ دوماً موجودات عالم عقل، نیازی به توانمندی استدلال ندارند.

۶۱. گزینه ۴. در زمان محمدشاه قاجار، یک افسر انگلیسی به نام سر هنری راولینسون موفق به خواندن خط میخی شد.

۶۲. گزینه ۱. شاید یکی از دلایل ضعف تاریخ‌نگاری در ایران باستان، مقبول‌تر بودن سنت شفاهی نسبت به کتابت باشد.

۶۳. گزینه ۳. تا دویست سال پیش مورخان ایرانی بر پایه ترجمه خدای‌نامه‌های متعلق به دوران ساسانی و نیز داستان‌های شاهنامه فردوسی، تاریخ ایران در عهد باستان را می‌نوشتند.

۶۴. گزینه ۳. خلیج فارس و دریای مکران نقش مهمی در برقراری ارتباط تجاری، سیاسی، نظامی و فرهنگی میان سرزمین‌های دور و نزدیک جهان آن روز داشتند.

۶۵. گزینه ۲ — گرچه هم شهداد و هم جیرفت از نخستین شهرهای فلات ایران در هزاره پنجم پیش از میلاد به شمار می‌روند که بر جای استان کرمان امروزی قرار دارند، اما این جیرفت است که یک تمدن باستانی عظیم محسوب می‌شود.

۶۶. گزینه ۳ — بهترین نمونه از صنعت و هنر فلزکاری در ایران باستان مربوط به مفرغ‌های استان لرستان است.

۶۷. گزینه ۳ — نخستین شهرها در حدود ۵ هزار سال پیش در فلات ایران پدید آمدند: ۱. شوش و چغامیش در خوزستان ۲. شهداد و جیرفت در کرمان ۳. شهر سوخته و سیستان و سیلک در کاشان

۶۸. گزینه ۴ — آریایی‌ها گروهی از اقوام هند و اروپایی بودند که از هزاران سال پیش به تدریج در فلات ایران و شبه‌قاره هند مستقر شدند و خود را آریایی نامیدند. حواستان باشد که فقط این دو قوم آریایی خوانده می‌شوند و سایر گروه‌هایی از اقوام هند و اروپایی که به نقاط دیگر رفتند، چنین نامی را ندارند.

۶۹ گزینه ۱ داریوش به شرق لشکرکشی کرد و قسمت‌هایی از غرب و شمال غرب هند را به قلمرو خود افزود و برای دفع حملات قبایل صحراگرد سکایی به مناطق دوردستی در شمال دریای سیاه و جنوب روسیه کنونی رفت.

۷۰ گزینه ۱ در ابتدای زمامداری اردشیر دوم هخامنشی، برادرش کورش کوچک در آسیای صغیر سر به شورش برداشت و با سپاهی از مزدوران یونانی راهی پایتخت شد. در جنگی که میان این دو برادر صورت گرفت، کورش کوچک شکست خورد و کشته شد. در دوران فرمانروایی اردشیر دوم، مصر نیز از سیطره هخامنشیان خارج گردید.

۷۱ گزینه ۱ اسکندر مقدونی، با قساوت و خشونت بر ایران تسلط یافت و مردم ایران نسبت به او به چشم بیگانه نگاه می‌کردند و از سلطه‌اش بر کشورشان ناخرسند بودند؛ بنابراین مقاومت‌هایی به شکل نافرمانی و شورش در مناطق مختلف

۷۲. گزینه ۱. در درسنامه، ذیل نکته، گفتیم که شاپور اول ساسانی توانست رومی‌های را شکست دهد و شاپور دوم ساسانی اعراب متجاوز را گوشمالی داد.

۷۳. گزینه ۳. دو مورد از جنگ‌های میان روم و ایران در زمان شاپور یکم اتفاق افتاد: ۱. در یکی گردیانوس، امپراتور روم کشته شد. ۲. در دیگری والرینوس به اسارت درآمد.

۷۴. گزینه ۴. آخرین پادشاه اشکانی، اردوان چهارم بود که نیروهای مهاجم رومی را شکست داد و آنان را مجبور به پرداخت غرامت کرد (سیاست خارجی)، اما در برابر مشکلات داخلی ناموفق بود و نتوانست خاندان ساسانی را که در فارس علیه او شوریده بودند، آرام کند. نتیجه ← اردوان در جنگ با اردشیر بابکان ساسانی شکست خورد و کشته شد و سلسله اشکانیان از هم پاشید.

۷۵. گزینه ۲. پایتخت‌های سلسله اشکانیان به ترتیب عبارت بودند از: شهر نسا در ترکمنستان امروزی، شهر صد دروازه که یونانیان آن را هکاتمپولس می‌خواندند در حوالی دامغان کنونی و شهر تیسفون در نزدیکی بغداد امروزی.

۷۶

هریک از عبارات زیر به ترتیب مربوط به کدام یک از مفاهیم روان‌شناختی است؟
 - در شرایط محرومیت حسی، این مرحله از شناخت مفقود است.
 - وقتی کسی را صدا می‌زنیم او پاسخ ما را می‌دهد.
 - زمانی که فرد تلاش می‌کند در یک محیط شلوغ مطالعه کند.

- (۱) توجه - شناخت - ادراک
 (۲) احساس - ادراک - توجه
 (۳) احساس - ادراک - احساس
 (۴) توجه - توجه - احساس

پاسخ: گزینه ۲ (متوسط - مفهومی - ۱۱۰۳)

بررسی موارد:

- در شرایط محرومیت حسی، فرد در موقعیتی قرار می‌گیرد که هیچ یک از گیرنده‌های حسی او مانند گوش، چشم و ... به وسیله هیچ محرک بیرونی تحریک نمی‌شود؛ در نتیجه در شرایط محرومیت حسی چون گیرنده‌ها تحریک نمی‌شود، پس احساس نخواهیم داشت؛ چون احساس تحریک اندام‌های حسی توسط محرک است.
- تعبیر و تفسیر کردن و معنی و مفهوم و سازمان دادن به محرک‌هایی که توجه شده، «ادراک» است. در صورت سؤال درک صدا برای پاسخ دادن به آن همان ادراک است.
- انتخاب محرک خاص، از بین محرک‌های بی‌شمار پیرامون ما، «توجه» نام دارد. گاهی ما تلاش می‌کنیم به محرک خاصی توجه کنیم و گاهی تلاش می‌کنیم آن را نادیده بگیریم؛ مثل نادیده گرفتن صداهای اطراف هنگام مطالعه.

گروه آموزشی ماز

۷۷

کدام گزینه در ارتباط با دریافت مریم و مهدی صحیح است؟

- «مریم و مهدی در حال مطالعه برای امتحان فردا هستند؛ مریم عمیقاً روی مطالب کتاب متمرکز است و سعی دارد خط به خط مطالب را خوانده و جلو برود اما مهدی در تلاش است علاوه بر مطالعه مطالب، آن‌ها را زیر لب زمزمه نیز بکند.»
- (۱) عملکرد مریم بهتر خواهد بود؛ زیرا او روی یک کار، متمرکزتر است.
 (۲) مهدی مطالب را زودتر به خاطر می‌سپارد چون دریافت شنیداری و دیداری دارد.
 (۳) مهدی باید روی چشم و لب‌هایش تسلط همزمان داشته باشد که به دریافت او آسیب می‌زند.
 (۴) دریافت مریم تک‌حسی است که بهترین راه برای یادگیری است.

پاسخ: گزینه ۲ (دشوار - مفهومی - ۱۱۰۳)

پاسخ تشریحی:

در مثال صورت سؤال، دریافت مطالب برای مریم به صورت تک‌حسی و تنها از راه دیداری است اما دریافت مهدی علاوه بر دیداری بودن، به دلیل زمزمه کردن مطالب، شنیداری نیز هست و دریافت چندحسی کارآمدتر است.

دریافت چندحسی:

اگر بتوانیم یک موضوع را با چند حس دریافت کنیم، دریافت ما قوی‌تر خواهد بود. مثلاً: اگر مطالب شنیده شده را به صورت ترسیمی و نوشتاری تبدیل کنیم، یادگیری آن راحت‌تر خواهد بود.
 دو مثال زیر را پیرامون مطالعه مطالب درسی در نظر بگیرید:
 ۱- دانش‌آموز علاوه بر تعقیب چشمی، مطالب را زمزمه می‌کند.
 ۲- دانش‌آموز علاوه بر تعقیب چشمی و بلندخوانی، یادداشت‌برداری نیز می‌کند.
 در این مثال‌ها، دانش‌آموز مثال دوم عملکرد بهتری خواهد داشت.

گروه آموزشی ماز

۷۸

هریک از عبارات زیر به ترتیب مربوط به کدام یک از منابع توجه است؟

- ساره که ویراستار است هر زمان نوشته‌ای را می‌خواند بیشتر به غلط‌های نگارشی آن توجه می‌کند.
 - عباس به دنبال یافتن اطلاعات مربوط به کنکور ارشد در یک سایت است و به اطلاعات کنکور دکتری توجهی نمی‌کند.
 - الهام که به تازگی سریال محبوبش را تمام کرده است چند زن را در خیابان شبیه به شخصیت اصلی آن سریال می‌بیند.
- (۱) اطلاعات موجود در حافظه - اطلاعات موجود در حافظه - پردازش و انتظارات افراد
 (۲) پردازش و انتظارات افراد - حواس ما - پردازش و انتظارات افراد
 (۳) پردازش و انتظارات افراد - حواس ما - اطلاعات موجود در حافظه
 (۴) اطلاعات موجود در حافظه - پردازش و انتظارات افراد - اطلاعات موجود در حافظه

پاسخ: گزینه ۴ (متوسط - مفهومی - ۱۱۰۳)

بررسی موارد:

- در عبارتهای اول و سوم، فرد از اطلاعات موجود در حافظه استفاده می‌کند (اطلاعات نگارشی مورد استفاده در ویراستاری و خصوصیات چهره شخصیت اصلی سریال) و همین اطلاعات باعث می‌شود که طبق آن عکس‌العمل نشان دهند. (توجه به غلط‌های نگارشی و پیدا کردن شباهت میان چهره افراد و شخصیت اصلی سریال)
- اما در عبارت دوم، فرد ذهنش را این طور برنامه‌ریزی کرده است که به دنبال اطلاعات کنکور ارشد بگردد؛ یعنی انتظار دارد این اطلاعات را ببیند.

منابع توجه:

منابع توجه تحت تأثیر سه عامل هستند:

- ❖ حواس ما که به وسیله محرک‌ها تحریک می‌شوند.
- ❖ اطلاعات موجود در حافظه، در واقع حافظه ما یکی از منابع مهم توجه است و هرکس متناسب با فعالیت و علائق خود با برخی محرک‌ها بیشتر در ارتباط است و طبیعی است که از میان همه محرک‌های محیطی به محرک‌های آشنا و موجود در حافظه توجه کند.
- ❖ سبک پردازش و انتظارات افراد که باعث می‌شود تا محرک‌های خاصی انتخاب شود؛ یعنی فرد با توجه به انتظارات خود فقط به محرک‌های خاصی توجه می‌کند و به دنبال همان محرک‌ها می‌گردد.

گروه آموزشی ماز

- ۷۹ یک فروشنده در فضای مجازی برای افزایش فروش خود از یک ترند استفاده می‌کند؛ او چندین روز قبل از معرفی محصول خود، ویدئوهای خارجی مربوط به آن را در صفحه خود منتشر می‌کند و سپس محصول قابل سفارش را به نمایش می‌گذارد. کدام گزینه در این رابطه صحیح است؟
- ۱) خوگیری؛ شناخت محرک معین تحت تأثیر ارائه پیشین همان محرک یا محرک شبیه به آن.
 - ۲) خوگیری؛ ایجاد عادت به محرک خاص به منظور آسان نمودن دریافت بعدی.
 - ۳) آماده‌سازی ادراکی؛ شناخت محرک معین تحت تأثیر ارائه پیشین همان محرک یا محرک شبیه به آن.
 - ۴) آماده‌سازی ادراکی؛ ایجاد عادت به محرک خاص به منظور آسان نمودن دریافت بعدی.

پاسخ: گزینه ۳ (آسان - مفهومی - ۱۱۰۳)

پاسخ تشریحی:

در این مثال فروشنده تلاش می‌کند با ارائه ویدئوهای خارجی، ذهن خریداران را برای ارائه محصول اصلی آماده‌سازد که همان «آماده‌سازی ادراکی» است. آماده‌سازی ادراکی زمانی اتفاق می‌افتد که شناخت محرک معینی، تحت تأثیر ارائه پیشین همان محرک یا محرک شبیه آن قرار می‌گیرد. در این حالت ارائه پیشین، دریافت بعدی را آسان می‌کند.

آماده‌سازی ادراکی:

آماده‌سازی ادراکی زمانی رخ می‌دهد که شناخت محرک معینی تحت تأثیر ارائه پیشین همان محرک یا محرک شبیه به آن قرار می‌گیرد. نکته: در این پدیده دریافت بعدی محرک به دلیل ارائه پیشین آن ساده‌تر است. **برای مثال:** فرودگاه‌ها اغلب قبل از اعلام یک خبر، موسیقی خاصی را پخش می‌کنند که باعث می‌شود توجه افراد به پیام اصلی بیشتر شده و دریافت آن ساده‌تر گردد.

گروه آموزشی ماز

- ۸۰ کدام گزینه به ترتیب به «عوامل مانع تمرکز» و «عوامل ایجاد تمرکز» اشاره دارد؟
- ۱) خط کشیدن زیر مطالب مهم کتاب - سخنرانی با لحن صدای ثابت
 - ۲) دیدن موضوع از زوایای متفاوت - خوردن میان وعده میان بین دو مطالعه
 - ۳) مطالعه در حالت ثابت - پرسش و پاسخ بعد از مطالعه
 - ۴) مرور مطالب در فواصل پشت سرهم - رانندگی در جاده بدون منظره

پاسخ: گزینه ۳ (دشوار - مفهومی - ۱۱۰۳)

بررسی گزینه‌ها:

- ۱ تغییرات درونی محرک (عامل ایجاد تمرکز) - یکنواختی و ثبات نسبی (مانع تمرکز)
- ۲ تغییرات درونی محرک (عامل ایجاد تمرکز) - درگیری و انگیزتگی ذهنی (عامل ایجاد تمرکز)
- ۳ یکنواختی و ثبات نسبی (مانع تمرکز) - تغییرات درونی محرک (عامل ایجاد تمرکز)
- ۴ آشنایی نسبی با محرک (مانع تمرکز) - یکنواختی و ثبات نسبی (مانع تمرکز)

درسنامه عوامل مؤثر بر تمرکز:



گروه آموزشی ماز

۸۱- کدام یک از گزینه‌های زیر به درستی یا نادرستی گزاره‌های زیر اشاره دارد؟

الف: عوامل فیزیولوژیکی و ایجاد هدف و اهمیت‌دهی به آن از عوامل مؤثر در انگیزندگی ذهنی است.

ب: پیدا کردن محرک هدف تابع تعداد عوامل انحرافی و ویژگی‌های منحصر به فرد آن هدف است.

ج: ما به تمام چیزهایی که در دامنه توجه‌مان قرار می‌گیرد آگاهی داریم اما برای شکل‌گیری توجه آن‌ها را آگاهانه انتخاب می‌کنیم.

د: خوگیری شامل عادت کردن به محرک خاص است به نحوی که به تدریج کمتر به آن محرک می‌پردازیم.

(۱) درست - نادرست - نادرست - درست (۲) درست - نادرست - درست - درست

(۳) درست - درست - درست - نادرست (۴) نادرست - نادرست - درست - نادرست

پاسخ: گزینه ۲ (آسان - خط به خط - ۱۱۰۳)

بررسی سایر موارد:

ج: به همه چیزهایی که در دامنه توجه ما قرار می‌گیرد آگاهی کامل نداریم.

گروه آموزشی ماز

۸۲- کدام گزینه در ارتباط با جدول مقابل صحیح است؟

(۱) شرکت‌کننده «الف» ۴ بار رد درست و ۵ بار هشدار کاذب داشته است.

(۲) شرکت‌کننده «ب» ۴ بار اصابت و ۱ بار تصمیم درست داشته است.

(۳) شرکت‌کننده «الف» هیچ زمانی محرک هدف را از دست داده است.

(۴) شرکت‌کننده «ب» ۶ بار هشدار کاذب و ۳ بار رد درست داشته است.

علامت	ردیابی علامت	ردیابی نشدن علامت	
حاضر	۵	۴	شرکت کننده الف
غایب	۳	۰	
حاضر	۴	۱	شرکت کننده ب
غایب	۶	۳	

پاسخ: گزینه ۴ (دشوار - مفهومی - ۱۱۰۳)

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ شرکت‌کننده «الف» ۴ بار محرک هدف را از دست داده و ۵ بار اصابت یا تصمیم درست داشته است.

۲ شرکت‌کننده «ب» ۴ بار اصابت و ۱ بار از دست دادن محرک هدف داشته است.

۳ شرکت‌کننده «الف» ۴ بار محرک هدف را از دست داده است.

ردیابی درست علامت به عنوان یکی از کارکردهای توجه:

علامت	ردیابی علامت	ردیابی نشدن علامت
حاضر	اصابت یا تصمیم درست	از دست دادن محرک هدف
غایب	هشدار کاذب	رد درست

گروه آموزشی ماز

۸۳- در ارتباط با عبارت «من دیروز دوستم را دیدم» کدام مورد صادق است؟

(۱) فرد دارای پردازش ادراکی به راحتی متوجه اشتباه نگارشی می‌شود.

(۲) به دلیل نوع پردازش اساتید زبان فارسی، غلط نگارشی کشف می‌شود.

(۳) نوع پردازش انسان تحت تأثیر ادراکات او است.

(۴) ویژگی‌های حسی به شدت از نوع پردازش افراد اثر می‌پذیرد.

پاسخ: گزینه ۱ (آسان - مفهومی - ۱۱۰۳)

بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۲ به دلیل نوع پردازش اساتید زبان فارسی (پردازش مفهومی) غلط نگارشی کشف نمی‌شود.
- ۳ ادراک تحت تأثیر نوع پردازش است.
- ۴ این گزینه اگرچه صحیح است اما ارتباطی با متن ندارد.

تأثیر نوع پردازش بر ادراک:

علاوه بر ویژگی‌های حسی، ادراک ما از نوع پردازش ما تأثیر می‌پذیرد. انواع پردازش عبارتند از:

- پردازش ادراکی: صرفاً بر ویژگی‌های حسی مانند اندازه و شکل ظاهری تکیه دارد و بیشتر در کودکان دیده می‌شود.
 - پردازش مفهومی: علاوه بر ویژگی‌های حسی تحت تأثیر ویژگی‌های کیفی نیز هست و بیشتر در بزرگسالان وجود دارد.
- به دلیل تفاوت در نوع پردازش افراد، توجه کودکان بیشتر به ظاهر کلمات است و آن‌ها به راحتی غلط‌های نگارشی را تشخیص می‌دهند درحالی که بزرگسالان به دنبال درک مفهوم جملات هستند و دید کلی به موضوعات دارند و ممکن است متوجه غلط‌های نگارشی نگردند.

گروه آموزشی ماز

۸۴ پاسخ هریک از سوالات زیر چیست؟

- الف: بر آورد دقیق حداکثر زمان مفید برای ایجاد توجه مستمر تابع چیست؟
 ب: رابطه میان آگاهی و اراده در توجه چیست؟
 ج: شباهت دو تکلیف در انجام همزمان آن‌ها چه نوع تأثیری بر عملکرد فرد دارد؟
- | | |
|----------------------------------|---------------------------------|
| ۱) ویژگی‌های شخصی - معکوس - منفی | ۲) دشواری تکلیف - مستقیم - منفی |
| ۳) انگیزتگی ذهنی - معکوس - مثبت | ۴) مهارت فرد - مستقیم - مثبت |

پاسخ: گزینه ۴ (متوسط - خط به خط - ۱۱۰۳)

بررسی موارد:

- «الف»: بر آورد دقیق حداکثر مدت زمان مفید برای ایجاد توجه مستمر، به ویژگی‌های شخصی و دشواری تکلیف موردنظر بستگی دارد.
 «ب»: در توجه هر چه آگاهی شما بیشتر باشد، نوع توجه هم ارادی‌تر است که نشانگر رابطه مستقیم است.
 «ج»: اثر منفی انجام دادن چند تکلیف همزمان در موارد زیر کاهش می‌یابد:
۱. دو تکلیف به همدیگر شبیه باشند.
 ۲. تکالیف مورد نظر دشوار نباشد.
 ۳. فرد از مهارت لازم برخوردار باشد.

در مورد «الف»، مهارت‌های فرد و انگیزتگی ذهنی نیز همان ویژگی‌های فردی است.

گروه آموزشی ماز

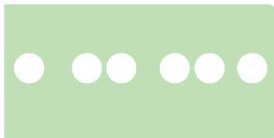
۸۵ عبارات زیر مربوط به کدام یک از اصول مکتب گشتالت است؟

- گروه پنداشتن چند شیء در کنار هم
 - کوتاه به نظر آمدن فرد معمولی بین مردان بلندقامت
 - پیوسته دانستن اشکال منقطع
- | | |
|---------------------------------------|-------------------------------------|
| ۱) مجاورت - مشابهت - استمرار | ۲) مشابهت - اصل شکل و زمینه - تکمیل |
| ۳) مجاورت - اصل شکل و زمینه - استمرار | ۴) مشابهت - مشابهت - تکمیل |

پاسخ: گزینه ۳ (متوسط - خط به خط - ۱۱۰۳)

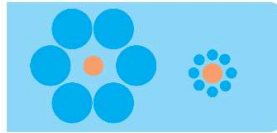
بررسی موارد:

- مجاورت: وقتی چند شیء در کنار یکدیگر باشند، ما آن‌ها را به صورت یک گروه ادراک می‌کنیم.

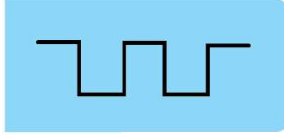


- منظور از «اصل شکل و زمینه» این است که ادراک ما از یک شکل تحت تأثیر زمینه‌های مختلف تغییر می‌کند.

A
B ۱۲ ۱۴
C



- ما گرایش داریم اشکال را به صورت متصل و پیوسته ببینیم نه منقطع و غیر پیوسته که همان اصل «استمرار» است.



گروه آموزشی ماز